انتشارات اندیشه ارشد

شرح دکترین حقوق جزای عمومی و اختصاصی

تفسیر ماده به ماده

قانون مجازات اسلامی

شـرح تمام مـواد قـانون

بر پایه نظرین دکترین قانون مجازات اسلامی

با توجه به تغییرات قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹

و اعمـال تغییرات جزای نقـدی مصـوب ۱۳۹۹

نظریه‌های مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه

همراه با نکات و مواد مهم قوانین خاص آزمـونی

همراه با نکات مهم، سلیس و آزمونی مکاتب کیفری

نظریه‌های شـورای نگهبـان و آرای وحدت رویه

مؤلفین:

میثم قلایی

(پژوهشگر دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه شهید بهشتی)

(رتبه ۱آزمون دکترای حقوق جزا و جرم شناسی، قاضی دادگستری و مدرس دانشگاه)

علی نجات پیرمحمدی

(کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، وکیل پایه یک سابق دادگستری و مدرس دانشگاه)

ویراستاران علمی:

اصغر پیروزی

(دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری)

مانا قلایی

(دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه علامه طباطبایی)

پیشگفتار

بارالها بیکران سپاس تو را از اینکه مشمول رحمت بی دریغ توییم و همواره چتر لطف و عنایت بی نهایت تو بر ما سایه مهر خود را گسترده است و سپاس بیکران تو را که به ما توفیق خدمت گزاری به نسل جوان و آینده سازان ایران اسلامی را عطا فرمودی، امید است این اثر بتواند نقشی هر چند کوچک در خدمت به جامعه تعلیم و تربیت کشور بردارد. آنچه نگارندگان را به نگارش کتاب حاضر ترغیب نمود، لزوم وجود کتابی مختصر و در عین حال جامع و کامل با رویکرد آزمونی برای آزمونهای تخصصی وکالت، قضاوت، سردفتری، مشاوران حقوقی و آزمونهای تحصیلات تکمیلی دوره کارشناسی ارشد و دکترای حقوق جزا و جرم شناسی بود. کتاب **شرح دکترین حقوق جزای عمومی و اختصاصی** که هم اینک در اختیار دانشجویان و رهپویان حقوق کیفری قرار دارد نسبت به موارد مشابه کتابی مختصر می‌باشد و تقریباً تمام نکات مهم کلیدی و آزمونی، علمی و کاربردی و نکات و مواد مهم قوانین خاص کیفری و آیین نامه‌های اجرایی و مکاتب کیفری و آراء وحدت رویه و نکات مهم آزمونی که در سال های اخیر در آزمون های دکترا، کارشناسی ارشد، وکالت و قضاوت و ... طرح شده به صورت نکته در این اثر با ذکر منبع و در ذیل مواد قانونی مربوط به خود گردآوری شده است. لذا چند بار مطالعه دقیق آن همراه با متن قانون برای تمامی آزمون ها کافی بوده و یقیناً نیاز داوطلبان آزمونی را مرتفع نموده و به نتیجه مورد نظر دست خواهند یافت. ضمناً کتاب حاضر با محوریت کتب اساتید ارجمند جناب آقای **دکتر حسین میرمحمد صادقی و دکتر محمد علی اردبیلی** تدوین گردیده ولی از کتب دیگر اساتید ارجمند از جمله **دکتر حسین آقایی نیا، شادروان دکتر ایرج گلدوزیان، دکتر شمس ناتری** و ... استفاده شده است. با توجه به اینکه برخی از مواد مرتبط با هم در نقاط مختلفی از قانون قرار گرفته و نیز برخی از مواد مرتبط در قوانین دیگری ذکر شده است در ذیل مواد قانونی مربوط به صورت مختصر و جامع به طوری که داوطلب بی نیاز از مراجعه به قوانین خاص که مطالعه آنها سخت و زمان بر می‌باشد، درج شده است. ضمناً نکات و مواد مهم آیین نامه‌های اجرایی که بعضاً منبع سوال بوده، در جای خود ذکر شده است. با توجه به اینکه هدف و رویکرد این نگارش، کمک به داوطلبین آزمونهای تخصصی حقوق می‌باشد از ارائه نظرات صرفاً علمی که جنبه آزمونی ندارند مانند اختلاف نظرهای متعدد و بعضاً گمراه کننده، ذکر قوانین منسوخ، مقایسه قوانین موجود با قوانین منسوخ قدیمی، مقایسه با قوانین دیگر کشورها، مطالب غیر ضروری و غیر مرتبط و مطوّل پرهیز شده، چرا که این قبیل مطالعات نه تنها بهره علمی و آزمونی ندارند بلکه موجب سر درگمی داوطلبان عزیز می‌باشند و فقط نکاتی که ارزش آزمونی، علمی و کاربردی دارند، بیان شده است. لذا هیچ مطلبی در این کتاب زائد نیست و جهت موفقیت در آزمونهای

تخصصی علاوه بر اشراف کامل بر مواد قانونی، همه مطالب بدون گزینش و با دقت تمام مورد مطالعه قرار گیرد وبه غیر از کتاب حاضر برای درس حقوق جزای عمومی و اختصاصی و قوانین خاص کیفری مطالعه هیچ منبع دیگری توصیه نمی‌شود چرا که باور داریم چند بار مطالعه یک کتاب مختصر و در عین حال جامع و کامل یقیناً بهتر از یک بار خواندن چند کتاب یا منبع می‌باشد. (لازم به ذکر است نکات و مواد مهم و آزمونی قوانین خاص کیفری و مکاتب کیفری در بخش پایانی کتاب ذکر شده است توصیه می شود حتماً مطالعه شود). امید داریم این کتاب که حاصل صدها ساعت مطالعه، تجربه، بررسی منابع اصلی و تدریس در دانشگاه می‌باشد در موفقیت داوطلبان آزمونهای حقوقی موثر و مفید واقع شود. در پایان یادآوری این نکته ضروری است علارغم تلاش بسیار، نگارش حاضر خالی از اشکال و کاستی نبوده، ضمن پوزش و طلب اغماض از تمامی اساتید، قضات، وکلا، دانشجویان و خوانندگان نکته سنج و اربابان فضل، تذکر خطاها و کاستی‌ها موجب کمال و امتنان خواهد بود تا در چاپ‌های بعدی با ارائه نظرات و پیشنهادهای شایسته بر غنای اثر بیفزاییم.

لازم به ذکر است کتاب قانون آیین دادرسی کیفری در نظم حقوق کنونی اثر نگارنده (علی نجات پیرمحمدی) توسط انتشارات مجمع علمی فرهنگی مجد چاپ شده است.

در انتها از تلاش‌ها و اقدامات دلسوزانه پرسنل و مدیریت محترم انتشارات اندیشه ارشد در جهت انتشار این اثر، نهایت تشکر و قدردانی را داریم.

انه ولی التوفیق

میثم قلایی[۱]

علی نجات پیرمحمدی[۲]

۱-ghalaeimeysam@gmail.com

۲- alinejatpirmohammadi59@gmail.com

فهرست مطالب

بخش اول: مواد عمومی ۱۳
فصل اول: تعاریف ۱۳
فصل چهارم: قانونی بودن جرائم، مجازاتها و دادرسی کیفری ۳۵
بخش دوم: مجازاتها ۳۷
فصل اول: مجازات‌های اصلی ۳۷
➢ مبحث اول: مجازات‌های اصلی اشخاص حقیقی ۳۷
فصل سوم: نحوه تعیین و اعمال مجازاتها ۵۲
فصل چهارم: تخفیف مجازات و معافیت از آن ۵۶
فصل ششم: تعلیق اجرای مجازات ۶۴
فصل یازدهم: سقوط مجازات ۹۳
➢ مبحث اول: عفو ۹۳
➢ مبحث سوم: گذشت شاکی ۹۷
➢ مبحث ششم: اعمال قاعده دَرأ ۱۱۲
بخش سوم: جرائم ۱۱۴
فصل اول: شروع به جرم ۱۱۴
فصل دوم: شرکت در جرم ۱۱۸
فصل سوم: معاونت در جرم ۱۲۰
فصل چهارم: سردستگی گروه مجرمانه سازمان یافته ۱۲۵
فصل پنجم: تعدد جرم ۱۲۷
بخش چهارم: شرایط و موانع مسئولیت کیفری ۱۴۲
فصل اول: شرایط مسئولیت کیفری ۱۴۲
بخش پنجم: ادله اثبات در امور کیفری ۱۶۶
فصل اول: مواد عمومی ۱۶۶
فصل چهارم: سوگند ۱۷۵
بخش ششم: مسائل متفرقه ۱۷۹
کتاب دوم ـ حدود ۱۸۲
فصل اول ـ زنا ۱۸۳
فصل دوم ـ لِواط، تفخیذ و مُساحَقه ۱۹۰
فصل سوم ـ قوادی ۱۹۲
فصل چهارم ـ قذف ۱۹۴
فصل پنجم ـ سَبُّ نبیّ ۱۹۷
فصل هفتم ـ سرقت ۱۹۹
فصل هشتم ـ محاربه ۲۱۷
فصل نهم ـ بغی و افساد فی الارض ۲۱۹
کتاب سوم ـ قصاص ۲۲۲
بخش اول ـ مواد عمومی ۲۲۲
فصل اول- اقسام و تعریف جنایات ۲۲۲
فصل دوم ـ تداخل جنایات ۲۳۴

فصل سوم ـ شرایط عمومی قصاص ۲۳۵
فصل چهارم ـ راه های اثبات جنایت ۲۴۴
فصل پنجم ـ صاحب حق قصاص ۲۵۶
فصل هفتم ـ اکراه در جنایت ۲۶۷
بخش دوم ـ قصاص نفس ۲۷۱
بخش سوم ـ قصاص عضو ۲۷۵
فصل اول ـ موجب قصاص عضو ۲۷۵
فصل دوم ـ شرایط قصاص عضو ۲۷۸
بخش چهارم ـ اجرای قصاص ۲۸۶
فصل اول ـ مواد عمومی ۲۸۶
فصل دوم ـ اجرای قصاص نفس ۲۹۴
کتاب چهارم ـ دیات ۲۹۹
بخش اول ـ مواد عمومی ۲۹۹
فصل اول ـ تعریف دیه و موارد آن ۲۹۹
فصل سوم ـ راه های اثبات دیه ۳۰۱
فصل چهارم ـ مسئول پرداخت دیه ۳۰۲
فصل پنجم ـ مهلت پرداخت دیه ۳۱۱
فصل ششم ـ موجبات ضمان ۳۱۲
فصل هفتم ـ تداخل و تعدد دیات ۳۲۷
بخش دوم ـ مقادیر دیه ۳۳۰
فصل اول ـ دیه نفس ۳۳۰
فصل دوم ـ قواعد عمومی دیه اعضاء ۳۳۱
فصل سوم ـ دیه مقدر اعضاء ۳۳۵
➢ مبحث اول ـ دیه مو ۳۳۵
➢ مبحث دوم ـ دیه چشم ۳۳۷
➢ مبحث سوم ـ دیه بینی ۳۳۸
➢ مبحث چهارم ـ دیه لاله گوش ۳۳۹
➢ مبحث پنجم ـ دیه لب ۳۴۰
➢ مبحث ششم ـ دیه زبان ۳۴۰
➢ مبحث هفتم ـ دیه دندان ۳۴۱
➢ مبحث هشتم ـ دیه گردن ۳۴۳
➢ مبحث نهم ـ دیه فک ۳۴۳
➢ مبحث دهم ـ دیه دست و پا ۳۴۴
➢ مبحث یازدهم ـ دیه ستون فقرات، نخاع و نشیمنگاه ۳۴۵
➢ مبحث دوازدهم ـ دیه دنده و ترقوه ۳۴۶
➢ مبحث سیزدهم ـ دیه ازاله بکارت و افضاء ۳۴۷
➢ مبحث چهاردهم ـ دیه اندام تناسلی و بیضه ۳۴۸
➢ مبحث پانزدهم ـ دیه پستان ۳۴۹
➢ فصل چهارم ـ قواعد عمومی دیه منافع ۳۴۹
فصل پنجم ـ دیه مقرر منافع ۳۵۰

- مبحث اول ـ دیه عقل ۳۵۰
- مبحث دوم ـ دیه شنوایی ۳۵۱
- مبحث سوم ـ دیه بینایی ۳۵۲
- مبحث پنجم ـ دیه چشایی ۳۵۲
- مبحث ششم ـ دیه صوت و گویایی ۳۵۳
- مبحث هفتم ـ دیه سایر منافع ۳۵۳
- فصل ششم ـ دیه جراحات ۳۵۴

فصل هفتم ـ دیه جنین ۳۵۷
فصل هشتم ـ دیه جنایت بر میت ۳۵۹
کتاب پنجم:تعزیرات و مجازات های بازدارنده مصوب۱۳۷۵ ..... ۳۶۲
فصل اول- جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور ۳۶۲
فصل سوم ـ سوء قصد به مقامات سیاسی خارجی ۳۷۷
فصل چهارم ـ تهیه و ترویج سکه قلب ۳۷۹
فصل پنجم ـ جعل و تزویر ۳۸۳
فصل هشتم ـ غصب عناوین و مشاغل ۴۰۵
فصل نهم ـ تخریب اموال تاریخی، فرهنگی ۴۰۷
فصل یازدهم ـ ارتشاء و ربا و کلاهبرداری ۴۱۹
فصل دوازدهم ـ امتناع از انجام وظایف قانونی ۴۲۳
فصل چهاردهم ـ تمرد نسبت به مأمورین دولت ۴۲۸
فصل شانزدهم ـ اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرایم ۴۳۲
فصل هفدهم ـ جرایم علیه اشخاص و اطفال ۴۳۴
فصل هجدهم ـ جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی ۴۴۵
فصل نوزدهم ـ جرایم بر ضد حقوق تکالیف خانوادگی ۴۴۸
فصل بیستم ـ قسم و شهادت دروغ و افشاء سر ۴۵۳
فصل بیست و یکم ـ سرقت و ربودن مال غیر ۴۵۶
فصل بیست و دوم ـ تهدید و اکراه ۴۵۶
فصل بیست و سوم ـ ورشکستگی ۴۵۶
فصل بیست و چهارم ـ خیانت در امانت ۴۵۷
فصل بیست و پنجم ـ احراق و تخریب و اتلاف اموال و حیوانات ۴۶۳
فصل بیست و ششم ـ هتک حرمت منازل و املاک غیر ۴۶۹
فصل بیست و هفتم ـ افتراء و توهین و هتک حرمت ۴۷۴
فصل بیست و هشتم ـ تجاهر به استعمال مشروبات الکلی و قماربازی و ولگردی ۴۷۹
فصل بیست و نهم ـ جرایم ناشی از تخلفات رانندگی ۴۸۴
قانون جرایم رایانه ای ۴۹۱
بخش یکم ـ جرائم و مجازات ها ۴۹۱
فصل یکم ـ جرائم علیه محرمانگی داده ها و سامانه های رایانه ای و مخابراتی ۴۹۱
- مبحث یکم ـ دسترسی غیرمجاز ۴۹۱
- مبحث سوم ـ جاسوسی رایانه ای ۴۹۱

فصل دوم ـ جرائم علیه صحت و تمامیت داده ها و سامانه های رایانه ای و مخابراتی ۴۹۳
- مبحث یکم ـ جعل رایانه ای ۴۹۳

فصل سوم ـ سرقت و کلاهبرداری مرتبط با رایانه ۴۹۴
فصل چهارم ـ جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی ۴۹۵
فصل پنجم ـ هتک حیثیت و نشر اکاذیب ۴۹۶
فصل ششم ـ مسئولیت کیفری اشخاص ۴۹۷
فصل هفتم ـ سایر جرائم ۴۹۹
فصل هشتم ـ تشدید مجازات ها ۵۰۰
بخش دوم ـ آیین دادرسی جرائم رایانه‌ای ۵۰۱
بخش سوم ـ سایر مقررات ۵۰۲
نکات و مواد مهم قوانین خاص کیفری ۵۴۰
فصل اول: قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب ۱۳۹۴/۱/۲۳ ۵۴۰
فصل دوم: قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰/۷/۱۷ ۵۴۰
فصل سوم: قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب۱۳۹۴ با اصلاحات سال ۱۳۹۷ ۵۴۲
فصل چهارم: قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵/۲/۲۲ ۵۴۵
فصل پنجم: قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳/۴/۲۸ ۵۴۶
فصل ششم: قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۱۲ همراه با اصلاحات سال۱۳۹۷ ۵۴۷
فصل هفتم: قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن مصوب۱۳۷۶و آخرین اصلاحات تا ۱۳۹۶/۷/۱۲ ۵۴۸
فصل هشتم: قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز مصوب ۱۳۹۰ ۵۵۳
فصل نهم: آیین نامه دادسراها و دادگاه های ویژه روحانیت مصوب ۱۳۶۹ ۵۵۶
فصل دهم: قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی مصوب ۱۳۵۴/۳/۵ ۵۵۸
فصل یازدهم: قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه دیدگان ناشی از آن مصوب ۱۳۹۸/۷/۲۱ ۵۵۹
فصل دوازدهم: قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب۱۳۸۲ ۵۶۰
فصل سیزدهم: قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت ۵۶۱
فصل چهاردهم: قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ ۵۶۳
فصل شانزدهم: قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب۱۳۸۹با اصلاحیه‌های بعدی ۵۷۰
فصل هجدهم: قانون مجازات اشخاصی که مال غیر را به عوض مال خود معرفی می‌نمایند مصوب ۱۳۰۸ ۵۷۱
فصل نوزدهم: قانون مجازات راجع به انتقال مال غیرمصوب ۱۳۰۸ ۵۷۲
فصل بیستم: باب ششم از قانون ثبت ۵۷۳
فصل بیست و یکم: قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی مصوب ۱۳۱۵ ۵۷۷
فصل بیست و دوم: قانون مجازات تبانی در معاملات دولتی مصوب ۱۳۴۸ ۵۷۷
فصل بیست و سوم: قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت های غیرمجاز می‌نمایند مصوب ۱۳۸۶ ۵۷۸
فصل بیست و چهارم: آیین‌نامه کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومین مصوب ۱۳۸۷ ۵۸۰
فصل بیست و پنجم: قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ ۵۸۳
فصل بیست و ششم: قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵/۳/۵ ۵۸۴
فصل بیست و هفتم: قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳ با اصلاحات ۱۳۹۴/۷/۲۱ ۵۸۶
فصل بیست و هشتم: قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹با آخرین اصلاحات تا سال ۱۳۸۴ ۵۹۰
فصل بیست و نهم: قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۹۴/۴/۷ ۵۹۲
فصل سی ام: قانون حفاظت از خاک مصوب ۱۳۹۸/۳/۴ ۵۹۴
فصل سی و یکم: قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۶/۴/۲۵ ۵۹۴
فصل سی و دوم: مکاتب کیفری: ۵۹۶
تحولات تاریخی حقوق جزا: ۵۹۶

- مبحث اول ـ دورهٔ انتقام خصوصی: ۵۹۶
- مبحث دوم ـ دوره تعدیل نسبی انتقام (دوره قصاص و دیات) یا دادگستری خصوصی: ۵۹۷
- مبحث سوم ـ دوره دادگستری عمومی: ۵۹۸
- مبحث سوم ـ مکت نئوکلاسیک یا التقاطی: ۶۰۵
- مبحث اول ـ مکتب اصالت تحصل یا تحققی یا اثباتی یا پوزیتیویسم یا ایتالیایی: ۶۰۷
- مبحث دوم ـ مکاتب دفاع اجتماعی: ۶۱۳

فهرست منابع و ماخذ ۶۱۷

علائم اختصاری

ب.ح.ج.ع	بایسته‌های حقوق جزای عمومی
ح.ج.ا	حقوق جزای اختصاصی
ح.ج.ب	حقوق جزای بین الملل
ح.ج.ع	حقوق جزای عمومی
ح.ک.ا	حقوق کیفری اقتصادی
ح.ک.ب	حقوقی کیفری بین المللی
د.ک.ب	دیوان کیفری بین المللی
ش.ق.م.ا	شرح قانون مجازات اسلامی
م.ق.م.ا	محشای قانون مجازات اسلامی
ق.آ.د.ک	قانون آیین دادرسی کیفری
ق.ت.م.م.ا.ا.ک	قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری
ق.ص.چ	قانون صدور چک
ق.م.ا	قانون مجازات اسلامی
ق.م.ا.ت	قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)
ق.م.ج.ن.م	قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح
ق.م.ع	قانون مجازات عمومی
ق.م.م.م	قانون مبارزه با مواد مخدر
ق.ن.ا.م.م	قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی
ق.ن.ق	قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب
ت	تبصره
م	ماده
ا.ح.ق.ق	اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضاییه

بخش اول: مواد عمومی

فصل اول: تعاریف

ماده۱- قانون مجازات اسلامی مشتمل بر جرائم و مجازاتهای حدود، قصاص، دیات و تعزیرات، اقدامات تأمینی و تربیتی، شرایط و موانع مسئولیت کیفری و قواعد حاکم برآنها است.

۱- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مصوب کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی به طور موقت تصویب و مدت آزمایشی آن ۵ سال بود که پس از پایان مدت آزمایشی آن، به موجب ماده واحده قانون دائمی شدن ق.م.ا مصوب ۹ خرداد ۱۳۹۷ مجلس شورای اسلامی از تاریخ انقضای مدت اجرای آزمایشی آن دائمی شد. لذا در حال حاضر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قانونی **دائمی** می‌باشد. همچنین قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ و قانون جرایم رایانه‌ای و قانون مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز دارند مصوب ۱۳۸۶ و قانون آیین دادرسی کیفری مصو ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی به صورت دائمی تصویب شده‌اند.

۲- در سال۱۳۶۱ سه قانون جداگانه به نام‌های قانون **راجع به مجازات اسلامی، قانون حدود و قصاص و قانون دیات** تصویب شد. در سال۱۳۶۲ هم **قانون اول تعزیرات** مصوب کمیسیون امور قضایی به صورت آزمایشی به مدت ۵ سال تصویب شد. در سال۱۳۷۰ سه قانون تصویبی سال۱۳۶۱ ادغام گردید و اسم آنها به **قانون مجازات اسلامی** تغییر یافت.

۳- عناصر متشکله پدیده مجرمانه:

الف- عنصر قانونی: یعنی تعیین وصف عمل مجرمانه به حکم قانون، به این مفهوم که قانونگذار باید فعل یا ترک فعل را از پیش جرم انگاری کرده باشد.

ب- عنصر مادی: یعنی تحقق خارجی، ملموس و عینی فعل یا ترک فعل که در قانون به عنوان جرم تعریف و برای آن مجازات تعیین شده است.

پ- عنصر معنوی: یعنی قصد و اراده شخص در ارتکاب رفتار مجرمانه. یعنی عملی برای اینکه جرم محسوب شود، رفتار مجرمانه «همان عنصر مادی» باید همراه با قصد مجرمانه «در جرائم عمدی» یا تقصیرجزایی«در جرائم غیرعمدی» باشد.

ت- لزوم تقارن و همزمانی رکن مادی با رکن معنوی به این صورت که در لحظه ارتکاب «عنصر مادی»، قصد فعل و نتیجه «عنصر معنوی» وجود داشته باشد.

٤- منابع اصلی یا صوری یا استنباطی حقوق جزا عبارتند از:

الف- قانون: هم شامل قانون اساسی و هم قوانین عادی و آیین نامه ها و ... نیز می شود.

ب- معاهدات بین المللی: مطابق ماده ۹ قانون مدنی، مقررات عهودی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد «در صورتی که به تصویب مجلس نیز رسیده باشد» درحکم قانون است.

پ- آراء وحدت رویه هیأت عمومی دیوانعالی کشور «رویه قضایی به معنای خاص»: طبق ماده۴۷۱ ق.آ.د.ک آراء وحدت رویه پس از صدور هم برای شعب دیوانعالی کشور و هم برای دادگاه‌های پایین‌تر لازم الاتباع می‌باشد و از این جهت، رأی وحدت رویه نیز از منابع اصلی محسوب می‌شود.

۵- منابع فرعی یا استدلالی حقوق جزا:

الف- عرف: عرف را می‌توان عاداتی تلقی کرد که در میان مردم یا گروهی از مردم به عنوان قاعده ایی الزام آور به تدریج معمول شده باشد. علت تأثیر عرف در دادرسی، عموماً ناتوانی قانون در پیش بینی تمام مسائل زندگی اجتماعی است.(اردبیلی، ح.ج.ع، ج۱، صص۱۹۹ و۲۰۰)

ب- رویه قضایی به معنای عام: منظور از رویه قضایی، آرایی است که دادگاهها در موارد مشابه صادر می‌کنند. رویه قضایی از آن جهت جزء منابع فرعی محسوب می‌شود که رأی صادره در یک موضوع خاص، نه برای خود آن دادگاه و نه برای دادگاههای دیگر لازم الاتباع نمی‌باشد.

پ- دکترین یا نظریات علمای حقوق: به مجموعه عقایدی که در باب توجیه و بیان و تفسیر قواعد حقوقی از طرف علمای فن اظهار می‌شود **دکترین** می‌گویند.

ت- منابع فقهی یا فتاوی معتبر اسلامی: منابع فقهی فقط براساس ماده ۲۲۰ ق.م.ا در **جرائم حدی** جزء منابع اصلی می باشند در سایر موارد جزء منابع فرعی هستند.

٦- سیاست جنایی یعنی سلسه تدابیری که در جامعه برای پیشگیری از ارتکاب جرم اتخاذ می‌شود. سیاست جنایی در واقع پل ارتباطی بین جرم‌شناسی و حقوق جزا است.(همان ، ص ۱۷۵)

۷- مطالعه و بررسی چگونگی و نحوه اجرای مجازات‌ها موضوع مطالعه علم **کیفرشناسی** است.

۸- طبق اصل ۸۵ قانون اساسی در موارد ضروری، مجلس می تواند اختیار وضع بعضی از قوانین را در مدتی معین به کمیسیون‌های داخلی خود تفویض نماید. در این صورت، این قوانین در مدتی که مجلس تعیین می‌نماید به صورت آزمایشی اجرا می‌شود و تصویب نهایی آن‌ها با مجلس خواهد بود.

۹- آرای وحدت رویه، قانون جدید نیست بلکه تفسیر قضایی قانونی است در بیان مقصود قانون‌گذار و به موجب ماده ۴۷۳ ق.آ.د.ک آراء وحدت رویه به موجب قانون و یا رأی وحدت رویه مؤخری که به موجب ماده ۴۷۱ ق.آ.د.ک صادر می‌شود قابل تغییر است.

۱۰- هر چند قانون اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۳۹ به موجب ماده ۷۲۸ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ به صراحت نسخ شده است اما در واقع اقدامات تأمینی و تربیتی هم بر **شخص مسئول و هم شخص غیر مسئول** اعمال می شود ولی مجازات ها فقط بر **شخص مسئول** بار می شود.

ماده۲- هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده‌است جرم محسوب می‌شود.

۱- اصل قانونی بودن **جرم** که ماده ۲ به آن اشاره نموده، یعنی اینکه رفتار ارتکابی باید به موجب قانون جرم انگاری شده باشد و اصل قانونی بودن **مجازات** که ماده ۱۲ ق.م.ا به آن پرداخته است یعنی اینکه رفتاری که در قانون جرم شناخته شده باید در قانون به مجازات آن تصریح شده باشد.

۲- به استناد ماده ۱۸ آیین‌نامه دادسرا و دادگاه‌های ویژه روحانیت جرم عبارت است از هر فعل یا ترک فعلی که مطابق قوانین موضوعه یا **احکام شرعیه** قابل مجازات یا مستلزم اقدامات تأمینی و تربیتی باشد.«در این مورد اصل قانونی بودن جرم و مجازات به طور دقیق رعایت نشده است»

۳- نتایج اصل قانونی بودن جرم و مجازاتها عبارتند از:

الف- تفسیر مضیق قوانین جزایی

ب- عطف به ماسبق نشدن قوانین جزایی

٤- تفسیر مضیق، یعنی پایبندی قاضی دادگاه به قدر متیقن مدلول الفاظ قانون و خودداری از توسعه آن. اصل تفسیر مضیق برای حفظ منافع متهم به وجود آمده است گرچه هر تفسیر مضیقی به نفع متهم نیست و تفسیر به نفع متهم هم همیشه مضیق نیست. اساساً آنچه در تفسیر قوانین کیفری مهم است ملحوظ داشتن نفع متهم است.(اردبیلی، پیشین، ج ۱، ص۲۱۷)

۵- نتایج تفسیر مضیق قوانین جزایی:

الف- منع دلیل تراشی به واسطه قیاس مگر قیاس منصوص العِلَّه

ب- تبرئه متهم در حال شک.

٦- مصادیق مختلف عنصر مادی:

الف- فعل: رفتاری ایجابی که مستلزم انجام آن چیزی است که مقنن آن را منع کرده است.(شادی عظیم زاده، پیشین، ص۵۲) که این فعل ممکن است به صورت مادی اتفاق افتد. مانند اینکه شخصی با اسلحه دیگری را از پای درآورد یا به صورت غیر مادی اتفاق افتد. مانند ماده ۵۰۱ ق.م.ا که در اثر هراسِ شخص از سلاح یا حیوان برانگیخته، اتفاق افتد.

ب- ترک فعل: رفتاری سلبی که مستلزم عدم انجام آن چیزی است که مقنن انجام آن را تکلیف نموده است یا در مواردی که قانونگذار، شخص را ملزم به انجام کاری می‌کند سرپیچی از چنین امری از سوی قانونگذار جرم انگاری شده است. مانند ترک نفقه، امتناع از استرداد طفل سپرده شده، امتناع قاضی از صدور حکم و ...(اردبیلی، پیشین، ج۱، ص۲۱۱) ترک فعل ممکن است واقعی یا غیر واقعی باشد. ترک فعل واقعی یعنی اینکه آن جرم اساساً و همیشه به صورت ترک فعل واقع می شود و هیچ گاه با فعل محقق نمی شود. مانند ترک نفقه، عدم ثبت ازدواج یا طلاق و ... ولی بعضی جرائم هستند که ممکن است هم به صورت فعل واقع شوند و هم به صورت ترک فعل که به آنان ترک فعل غیر واقعی گفته می شود.

پ- فعل ناشی از ترک فعل: رفتاری ایجابی که ناشی از عدم انجام یک تکلیف قانونی می‌باشد. در واقع تکلیفی از سوی مقنن پیش بینی شده است که ترک آن تکلیف در عالم بیرون جلوه ای از نوع «فعل» یا «رفتار

ایجابی» از خود داشته است. مانند ماده ۶۳۳ ق.م.ا بخش تعزیرات «**رهـا کـردن طفـل در محـل خـالی از سکنه**» یا ماده۵۱۰ ق.م.ا بخش تعزیرات «**مطلع ساختن دیگران از اسناد محرمانه**».(همان)

ت- حالت: در صورت وجود حالتی خاص در شخص مانند اعتیاد، ولگردی و ... که در قانون جرم انگـاری شـده باشد.

۷- جرائم از نظر اجزای تشکیل دهندهٔ رکن مادی عبارتند از: **جرم ساده**، **جرم مرکب و جرم به عادت**.

۸- جرم ساده: جرمی است که عنصر مادی آن از رفتاری واحد تشکیل شده است که این رفتار ممکن است به صورت فعل یا ترک فعل باشد. مانند جرم سرقت، ترک نفقه و در این نوع از جرم، عنصر مادی به گونه ای اسـت که چند نفر نمی‌توانند جزئی از آن را انجام دهند اما امکان دارد آن دو نفر با هم آن یک جزء را انجام دهند که در این صورت شرکت در جرم محقق می‌شود و جرم ساده ممکن است مقید به نتیجه و یا مطلق باشد.

۹- جرم مرکب: جرمی است که عنصر مادی آن از افعال متنوع به قصد نتیجهٔ واحد تشکیل شده باشد کـه آن اجزای متعدد به تنهایی جرم نیستند ولی مجموعاً جرمی را به وجود می‌آورند. مانند کلاهبرداری که عنصـر مـادی آن از سه جزء، توسل به وسایل متقلبانه، اغفال دیگری و بردن مـال دیگـری تشـکیل مـی‌شود.(شـمس نـاتری، پیشین، صص ۲۹و۲۰)

۱۰- جرم مرکب دو گونه است:

الف- جرم مرکب مطلق: جرمی است که در آن رفتار فیزیکی لازم برای تحقق جرم، متعدد و متنوع می‌باشـد و تا زمانی که تمام آن رفتارها محقق نشود جرم نیز محقق نمی‌شود. مانند جرم مندرج در تبصـره مـاده۵۱۰ ق.م.ا بخش تعزیرات که از سه قسمت **شناسایی**، **جذب و معرفی به کشور بیگانه** تشکیل شده است.

ب- جرم مرکب مقید: جرمی است که در آن وقوع جرم مستلزم این است که اولاً تنها با انجام رفتاری خاص که مقنن پیش بینی نموده است محقق می‌گردد. ثانیاً علاوه بر انجام آن رفتار خاص، لزوماً باید نتیجهٔ مـورد نظـر قانونگذار، توسط مرتکب یا شریک وی محقق شود. مانند کلاهبرداری که در آن توسل به وسایل متقلبانـه بـدون بردن مال غیر، کلاهبردای نمی‌باشد، زیرا در این گونه جرائم، عنوان مجرمانه به رفتار و نتیجه با هم تعلق گرفتـه و وقوع هر دو رکن، شرط تحقق جرم می‌باشد.(همان)

۱۱- جرم به عادت یا اعتیادی: یعنی وقوع فعلی معین در دفعات مکـرر و حـداقل دو بـار تکـرار، چندانکـه عادت مرتکب از این افعال احراز گردد.(اردبیلی، پیشین، ج۱، ص ۳۰۹) عنصر مادی این قبیل جرائم از چند عمـل مشابه تشکیل می‌شود که هر یک به تنهایی جرم نیست یا مجازات کمتری دارد ولی چنانچه تکرار شـود مجمـوع آن اعمال جرمی را بوجود می‌آورد که قابل مجازات می‌باشد. مانند ولگردی، تکدی گری و ....(صانعی، ح.ج.ع، ص ۴۴۵)

۱۲- تفاوت جرم مرکب و جرم به عادت:

الف- در جرم مرکب، رفتارها مشابه هم نیستند درحالی که در جرم به عادت، رفتارها مشابه هم هستند.

ب- در جرم به عادت، تکرار رفتار قبلی ضروری است در حالی که در جرم مرکب، انجام رفتاری غیر از رفتار قبلی برای تحقق جرم لازم و ضروری است. بنابراین در جرم مرکب رفتارهای ارتکابی که مجموع آن ها عنصر مادی جرم را تشکیل می‌دهند متفاوت و مختلف است.(سبزواری نژاد، حجت، دوره کامل ح.ج.ع، صص۸۷ و ۸۸)

۱۳- تقسیم بندی جرائم از حیث **طول زمان** وقوع رکن مادی جرم عبارتند از: جرم آنی، جرم مستمر و جرم استمرار یافته

۱٤- جرم فوری یا آنی: جرمی است که فعل یا ترک فعل مجرمانه در یک لحظه اتفاق می‌افتد هرچند که نتیجه مجرمانه با گذشت زمان تحقق یابد. مانند قتل و ... و دیوان عالی کشور عدم ثبت واقعه ازدواج و عدم ثبت ولادت طفل را جرم آنی می‌داند نه مستمر.

۱۵- جرم مستمر: جرمی است که خواه ناشی از اراده فاعل و خواه ناشی از طبیعت اشیاء در زمان به طور مستمر ادامه دارد و به دو دسته تقسیم می‌شود:

الف: جرم مستمر پیاپی یعنی فعل یا ترک فعلی که در طول زمان استمرار دارد و هر لحظه نشان دهنده قصد مجرمانه مرتکب است. یعنی جرم در هر لحظه با تمام ارکان مادی و روانی درحال رخ دادن است. مانند حمل سلاح که در آن مرتکب در طول زمانی که سلاح را حمل می‌کند انگار در هر لحظه این جرم را با عنصر مادی و روانی مرتکب می‌شود.

ب: جرم مستمرِ دائم جرائمی هستند که عناصر تشکیل دهندهٔ آنها در زمانی معلوم و یکباره فراهم می‌آیند ولی آثار آنها در طول زمان ادامه دارد. از نمونهٔ این نوع جرائم دیوار کشی و نهرکشی در املاک متعلق به غیر به منظور تصرف و یا ایجاد مانع به قصد جلوگیری از استیفای حق دیگری است. مانند جرم تصرف عدوانی مندرج در ماده۶۹۰ ق.م.ا بخش تعزیرات. در واقع این جرائم از مصادیق جرم آنی به شمار می‌روند و تابع مقررات زمان وقوع هستند اگر چه آثار آنها در زمان حکومت قانون لاحق هم ادامه داشته باشد.(اردبیلی، پیشین، ج۱، ص ۲۳۸)

۱٦- جرم استمرار یافته یا متوالی یا جمعی یا مکرر یا متحدالمقصود یا ادامه یافته: یعنی ارتکاب جرم توسط مرتکب واحد، علیه موضوع مجرمانهٔ واحد و به دفعات مکرر.(شادی عظیم زاده، پیشین، صص۸۶ و۸۷) مانند انشعاب غیر مجاز آب و برق که هر روز از آن استفاده شود یا شخصی که هر روز مقداری از محصول زراعی دیگری را درو کند که مشمول احکام جرم مستمر است.

۱۷- فایدهٔ تفکیک جرائم از لحاظ عنصر مادی:

الف- از لحاظ مبدأ مرور زمان: مرور زمان در جرم آنی «از لحظه وقوع جرم»، در جرم مستمر «از لحظه قطع استمرار در رفتار مجرمانه»، در جرم مرکب «از لحظه تشکیل آخرین جزء تشکیل دهنده جرم»، درجرم به عادت «ازلحظهٔ تکرار آخرین رفتار تشکیل دهندهٔ جرم» شروع می‌شود.

ب- از لحاظ تأثیر قانون جدید: جرم آنی تابع قانون زمان وقوع جرم، جرم مستمر تابع قانون لاحق حتی اگر شدیدتر باشد. جرم مرکب، اگر جزء اخیر عنصر مادی در زمان حکومت قانون جدید باشد تابع قانون لاحق است. جرم به عادت، تابع قانون حاکم بر لحظهٔ تکرار آخرین رفتار تشکیل دهندهٔ جرم می‌باشد ولو آن قانون شدیدتر باشد.

پ- از لحاظ دادگاه صالح: در جرم آنی، دادگاهی که جرم در حوزه آن ارتکاب یافته است صالح می‌باشد، در جرم مستمر، همه دادگاههایی که جرم در قلمروی آنها استمرار یافته، صالح‌اند و تقدم با دادگاهی است که زودتر شروع به رسیدگی کرده است، در جرم مرکب، همه دادگاههایی که یکی از افعال در قلمرو آن ارتکاب یافته صالح می‌باشند و در جرم به عادت، دادگاهی صالح است که فعل مکرر در قلمروی آن ارتکاب یافته است.(عظیم زاده، شادی، پیشین، ص ۸۸)

ت- از حیث اعتبار امر مختوم: در جرائم آنی، اگر حکم محکومیت قطعی از دادگاه صادر شود رسیدگی مجدد بنابه همان دلایل، دیگر ممکن نیست ولی در جرائم مستمر چون فعل مجرمانه مبیِّن بقای اراده ارتکاب است پس از قطعیت محکومیت نخستین، تعقیب و رسیدگی و محکومیت مجدد فاعل بلااشکال است حتی اگر محکومیت نخستین مشمول عفو قرار گیرد ولی مجرم همچنان بر قصد خود باقی باشد می‌توان بار دیگر او را به همان دلیل تعقیب و محکوم کرد.(اردبیلی، پیشین، ج۱، صص ۳۰۸ و ۳۰۹)

۱۸- تقسیم بندی جرائم از حیث رکن روانی عبارتند از: جرائم عمدی، جرائم غیر عمدی و جرائم مادی صرف (جرایم با مسئولیت مطلق).

۱۹- درجات عمد و سوء نیت عبارتند از:

الف- سوء نیت عام: یعنی اراده آگاهانهٔ مرتکب در ارتکاب رفتار مجرمانه که در همه جرائم عمدی این سوء نیت لازم است.

ب- سوء نیت خاص: یعنی اراده آگاهانه مرتکب نسبت به انجام عمل مجرمانه. برخی از اساتید معتقدند که سوء نیت خاص همان قصد نتیجه در جرایم مقید است ولی برخی دیگر از حقوق دانان از جمله استاد دکتر میرمحمد صادقی معتقدند که سوء نیت خاص مربوط به عنصر معنوی جرم و قصد نتیجه مربوط به عنصر مادی جرم می باشد و هیچ ارتباطی با هم ندارند. ولی به نظر می رسد که قصد نتیجه یکی از مصادیق سوء نیت خاص باشد به این صورت که بین سوء نیت خاص و قصد نتیجه، **رابطه عموم و خصوص مطلق** باشد. یعنی در واقع سوء نیت خاص عام و قصد نتیجه، خاص است. یعنی هر قصد نتیجه ای سوء نیت خاص می باشد ولی برخی سوء نیت های خاص، قصد نتیجه می باشند و برخی قصد نتیجه نمی باشند. زیرا برخی از جرایم مطلق وجود دارند که سوء نیت خاص لازم دارند در صورتی که مقید نیستند. مانند جرم نشر اکاذیب موضوع ماده ۶۹۸ ق.م.ا.ت که علی رغم اینکه جرمی مطلق می باشد ولی نیازمند سوء نیت خاص قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی می باشد.

پ- سوء نیت معین «جازم»**:** یعنی عزم وقوع جرم نسبت به شخص یا شیئ معین. مثلاً در جرم قتل، فرد شخص«ب» را هدف قرار داده و به قصد کشتن «ب» به سوی او شلیک می‌کند و او را می‌کشد.

ت- سوء نیت احتمالی: یعنی خواستن نتیجه مجرمانه بدون پیش بینی و تصور دقیق کیفیت آن، یعنی وصفی که در آن فاعل خواستار نتیجه نیست اما می‌تواند نتیجه را پیش بینی کند یا احتمال وقوع آن را بدهد. مانند به حرکت درآوردن وسیلهٔ نقلیه با علم به نقص آن. سوء نیت احتمالی را با سوء نیت نامعین نباید اشتباه گرفت، چرا که سوء نیت وقتی نامعین است که فرد نتایج شوم عمل خود را پیش بینی کند و آن را بخواهد ولی هویت مجنی

علیه یا کیفیت ضرر محقق شده و احتمال آن برای فرد مهم نیست اما در سوء نیت احتمالی، فرد وقوع جرمی را اراده نمی‌کند ولی احتمال وقوع آن قابل پیش بینی است ولی مرتکب هیچ اقدامی در این باره انجام نمی‌دهد. مثال برای سوء نیت نامعین مانند بمب گذاری در اماکن عمومی.

ث- سوء نیت ساده: یعنی ارتکاب جرم مسبوق به طرح و نقشه قبلی نباشد. یعنی همه چیز لحظه ای و اتفاقی به وقوع می‌پیوندد و در یک آن، فرد تصمیم به جرم می‌گیرد و آن را عملی می‌کند.

ج- سوء نیت مشّدد یا با سبق تصمیم: یعنی ارتکاب جرم مسبوق به تفکر و طرح نقشه قبلی باشد. در حقوق ایران از لحاظ درجات مسئولیت یا درجهٔ مجازات افراد، تفاوتی بین سوء نیت ساده و سوء نیت مشّدد وجود ندارد.(عظیم زاده، شادی، پیشین، ص ۵۹)

۲۰- عنصر قانونی برخی جرائم ساده هستند. بدین معنا که هر زمان قانونگذار رفتار مجرمانه و مجازات جرم را در یک ماده قانونی بیان دارد گفته می شود که عنصر قانونی این جرم ساده یا همان بسیط است ولی اگر قانونگذار رفتار مجرمانه را در یک ماده قانونی توصیف نماید و مجازات آن جرم را در یک ماده دیگر بیان دارد عنصر قانونی آن جرم مرکب است. با این وصف عنصر قانونی قتل عمدی مرکب می باشد چرا که رفتار مجرمانه در ماده ۲۹۰ و مجازات آن در ماده ۳۸۱ بیان شده است.(ساولانی، اسماعیل، نکاتی از حقوق جزای اختصاصی۱، ص ۱۲)

۲۱- تفسیر قانون به اعتبار مقام تفسیرکننده:

الف- تفسیر قانونی: شرح و تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است و تفسیر قانون اساسی به عهده شورای نگهبان است که با تصویب سه/چهارم اعضاء صورت می‌گیرد.(اصول ۷۳ و ۹۸ ق.ا)

ب- تفسیر قضایی: تفسیری است که قاضی در مقام تمییز حق و صدور حکم انجام می‌دهد.(اصل۷۲ ق.ا)

پ- تفسیر از طریق علمای حقوق: یعنی تفسیری که توسط حقوقدانان صورت می‌گیرد.

۲۲- تفسیر قانون به اعتبار ماهیت تفسیر یا روش‌های تفسیر عبارت است از:

الف- تفسیر مضیق یا ادبی یا لفظی: یعنی پایبندی به معنای ظاهری و لغوی قانون. یعنی آن چیزی که از معنای ظاهری متن فهمیده می‌شود که مبنای این تفسیر، اصل قانونی بودن جرم و مجازات است. تفسیر مضیق زمانی می‌تواند صحیح و کامل باشد که قانون نیز کامل باشد. در حالی که روشن است هیچ قانونی کامل نیست. نمونه تفسیر لفظی یا منطوقی یا ادبی واژه اکاذیب در ماده ۶۹۸ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ می‌باشد که در صیغه جمع بکار رفته، یعنی اگر بخواهیم این ماده را تفسیر لفظی کنیم نشر اکاذیب زمانی اتفاق می‌افتد که بیش از یک قول دروغ یا اسناد بیشتر از یک عمل خلاف حقیقت باشد تا جرم محقق شود در حالی که شعبه ۲ دیوان عالی کشور در حکم شماره ۲۶۲۲ مورخ ۱۳۱۸/۱۰/۱۰ مقرر نموده است که، اکاذیب هر چند به کلمه جمع گفته شده ولی منظور نوع آن امور بوده و بر حسب عرف و تبادر به یک عمل هم صدق می‌کند و اگر کسی یک فقره امرکذب و خلاف حقیقت را به غیر نسبت دهد قابل تعقیب است، اصل در قوانین کیفری بر تفسیر مضیق قوانین کیفری می‌باشد.(اردبیلی، پیشین، ج۱، صص ۲۱۸ الی ۲۲۰)

ب- تفسیر غایی یا منطقی یا توضیحی: یعنی کشف و دریافت مقصود و نیت قانونگذار. در واقع درک مقصود قانونگذار اساس این روش را تشکیل می‌دهد. در این نوع تفسیر، شک را نباید به نفع متهم تفسیر کرد. لذا برای درک مقصود قانونگذار نه تنها به منطق قانون، بلکه به سوابق و کارهای مقدماتی، گزارش‌های توجیهی، صورتحساب تنظیمی در موقع تدوین قانون می‌توان توجه نمود. اگر دریافت مقصود واقعی قانونگذار ممکن نباشد و از معنای لغوی هم نتوان به آن چیز مورد نظر دست یافت بایستی قانون را به نفع متهم تفسیر نمود.

پ- تفسیر از طریق قیاس: قیاس اصولی عبارت است از سرایت دادن حکمی مصرح در قانون به موضوعی مسکوت الحکم به دستاویز علتی مشترک. علت هر حکم همان امری است که سبب تشریع حکم شده است و تابع شروطی است. برای مثال، علت حرمت شرب خمر، مسکر بودن آن است حال اگر بپذیریم که هر مایع سکرآور دیگری علاوه بر خمر حرام است به قیاس پرداخته ایم. چون قیاس دامنه قوانین کیفری را گسترش می‌دهد و این امر مخالف حقوق و آزادی‌های فردی است قاضی از توسل به قیاسی که مغایر اصل قانونی بودن جرم و مجازات است، منع شده است. اصولیان شیعه از بین انواع قیاسات، **قیاس منصوص العلّه** را معتبر می‌دانند. **یعنی قیاسی که علت حکم به صراحت در اصل بیان شده است،** زیرا این نوع قیاس موجب **قطع و یقین** است. بعضی از نویسندگان حقوق جزا، قیاسی را که نتیجه مساعد برای متهم در برداشته باشد جایز دانسته‌اند. از جمله عقیده دارند که اسباب اباحه جرم یا مانع مسئولیت کیفری و نیز بعضی مصونیت‌ها را می‌توان به قیاس با مواردی که در قانون پیش بینی نشده است توسعه داد. برای مثال، در قوانین کشور ما اگر متهم به ارتکاب جرم بر اثر مصرف مسکرات، مواد مخدر و روان گردان مسلوب الاختیار بوده و به این منظور این مواد را مصرف نکرده باشد از او رفع مسئولیت می‌شود. حال اگر اراده متهم بر اثر بیماری و مصرف دارو یا هر ماده دیگر سلب شده باشد آیا نمی‌توان او را از مسئولیت کیفری معاف کرد. همچنین در قلمرو آیین دادرسی کیفری که حفظ حقوق متهم و تمهید دادرسی عادلانه مقدم بر مصالح دیگری است قیاس را به همان دلایل پذیرفته اند.(اردبیلی، پیشین، ج۱، صص۲۴۷ الی۲۲۹)

ت- تفسیر موسع: یعنی اینکه یک عملی که در قانون جرم نیست بواسطه شباهت آن با عمل دیگری که در قانون جرم است، جرم تلقی شود. این نوع تفسیر در حقوق جزا مطلقاً کاربرد ندارد مگر در قوانین ارفاق آمیز یا تفسیر به نفع متهم.

۲۳- مراحل تفسیر قوانین جزایی عبارتند از:

الف- احراز نظر مقنن یا تفسیر منطقی

ب- تفسیر مضیق

پ- تفسیر به نفع متهم. پس تفسیر به نفع متهم آخرین مرحله از مراحل تفسیر است.(گلدوزیان، محشای قانون مجازات اسلامی، ص۳۰)

۲٤- تا پیش از قانون اسفند ۱۳۴۹ هیچ گونه مقرراتی درباره فعل هواپیماربایی وجود نداشت. در نتیجه هواپیماربایان از تعقیب و بازداشت در امان بودند زیرا این رفتار با هیچ یک از مقررات قانونی نظیر مقررات مربوط

به سرقت منطبق نبود. ناگزیر برای فراهم کردن امکان تعقیب هواپیماربایان قانونگذار به وضع قانون خاصی پرداخت.(اردبیلی، پیشین، ج۱، ص۳۲)

۲۵- صدور حکم به اقدام تأمینی و تربیتی بنا به تصمیم دادگاه وقتی جایز است که کسی مرتکب جرمی شده باشد. در کشور ما برخلاف بعضی از کشورهای دیگر مانند فرانسه، اقدام تأمینی پیش از ارتکاب جرم پیش بینی نشده است.

۲٦- اصل قانونی بودن مجازاتها تنها بر تعیین مجازاتها به معنی خاص حاکم نیست بلکه قلمرو آن، اقدامات تأمینی را شامل می‌گردد. لذا طبع پیشگیرندهٔ این اقدامات و نامعین بودن مدت آن ها، مانع از رعایت اصل قانونی بودن نمی‌گردد.(همان، ص۲۱۱)

۲۷- اصل کلی در جرائم این است که با **انجام فعل** ارتکاب می‌یابند و به عبارت دیگر، اصل در جرائم «**فعلی**» بودن جرم است و ترک فعل جزء در موارد خاص، جرم نیست. پس ترک فعل به عنوان رفتار در رکن مادی، خلاف اصل می‌باشد. ترک فعل جرم نیست مگر آنکه انجام آن در قانون، وظیفه تلقی گردد.(شمس ناتری، پیشین، صص۲۷ و ۲۸)

۲۸- با لحاظ ماده ۶۶۲ ق.م.ا.ت مصوب ۱۳۷۵ اخفای اموال مسروقه جرمی مستمر است ولی اگر متهم معاملهٔ اموال مسروقه را حرفهٔ خود قرار داده باشد به عنوان جرم به عادت شناخته می‌شود.(شادی عظیم زاده، پیشین، ص ۸۷) در واقع می توان گفت هر زمانی که اسمی از اخفاء به میان آمد همیشه جرم مستمر است.

فصل دوم: قلمرو اجرای قوانین جزائی در مکان

ماده۳- قوانین جزائی ایران درباره کلیه اشخاصی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی‌ایران مرتکب جرم شوند اعمال می‌شود مگر آن‌که به موجب قانون ترتیب دیگری مقررشده باشد.

۱- این ماده، بیانگر اصل **سرزمینی بودن قوانین کیفری** می‌باشد که مهم ترین و اساسی ترین اصل در قوانین کیفری می‌باشد.

۲- صلاحیت سرزمینی عبارت است از صلاحیت کیفری یک دولت نسبت به جرائم ارتکاب یافته در قلمرو زمینی، هوایی و دریایی آن کشور.

۳- اصل صلاحیت سرزمینی به دو صورت قابل تصور است:

الف- اصل صلاحیت سرزمینی ثابت: در صورتی است که جرم ارتکابی در سرزمین حقیقی «قلمرو زمینی، هوایی یا دریایی» یک کشور ارتکاب یابد.

ب- اصل صلاحیت سرزمینی شناور: در صورتی است که جرم ارتکابی در هواپیمای ثبت شده در یک کشور که در فضایی غیر از قلمرو کشور ثبت کننده در حال پرواز است و یا در کشتی که حامل پرچم کشوری بوده و غیر از قلمرو حاکمیت کشور صاحب پرچم در حال حرکت است، ارتکاب یابد که در این صورت هواپیمای در حال پرواز و کشتی در حال حرکت، به عنوان بخشی از سرزمین کشور ثبت کننده هواپیما یا کشتی صاحب پرچم

تلقی شده و رسیدگی به جرم ارتکابی در صلاحیت کشور ثبت کننده هواپیما و کشتی صاحب پرچم می‌باشد.(شمس ناتری، پیشین، ص ۳۵)

٤- اصل صلاحیت سرزمینی دارای دو جنبه مثبت و منفی می باشد:

الف- اصل صلاحیت سرزمینی مثبت یعنی این‌که کلیه ساکنین یک کشور چه اتباع داخلی و چه اتباع خارجی مطیع قوانین جزایی آن کشور می باشند.

ب- اصل صلاحیت سرزمینی منفی آن است که این اصل در مورد کسانی که در خارج از کشور به سر می‌برند حتی اتباع داخلی که در خارج از کشور می باشند قابل اعمال نیست.

٥- اصل صلاحیت سرزمینی در مورد جرایمی که قسمتی از عنصر مادی آن در کشور ارتکاب می یابد هم قابل اعمال است. مثل این‌که کسی از داخل یک کشور تیری را شلیک کرده و در آن طرف مرز به دیگری اصابت نموده و به قتل می‌رسد که در این صورت هر دو دولت صلاحیت رسیدگی را دارند و دولتی که عمل در آن‌جا شروع شده بر طبق «**اصل صلاحیت سرزمینی ذهنی**» و دولتی که عمل در آن‌جا کامل شده و به نتیجه رسیده بر طبق «**اصل صلاحیت سرزمینی عینی**» واجد صلاحیت می باشد. که از اولی تحت عنوان «**نظریه عناصر متشکله**» و از دومی تحت عنوان «**نظریه آثار**» نام می‌برند.

٦- استثنائات وارد بر اصل صلاحیت سرزمینی عبارت‌اند از:

الف- مصونیت دیپلماسی: در اینجا منظور کسانی هستند که **مصونیت سیاسی** دارند. مانند مأموران سیاسی یا نماینده کنسولی و ... که در صورت ارتکاب جرم از سوی این افراد مرجع قضایی **قرار موقوفی تعقیب** صادر می نماید. البته لازم به ذکر است میزان مصونیت آنان با هم متفاوت است به طوری که مأموران سیاسی مرتکب هر جرمی اعم از اینکه در خصوص وظایف آنها باشد یا نه مصونیت دارند ولی نماینده کنسولی اگر مرتکب جرمی شود که در حوزه وظایف آنان نباشد مصونیت ندارد.

ب- مصونیت پارلمانی: البته در کشور ما این مصونیت طبق اصل ۸۶ ق.ا محدود به وظایف نمایندگی است. بنابراین اگر نماینده مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود مرتکب جرمی شود مرجع قضایی باید **قرار منع تعقیب** صادر نماید به خاطر جرم نبودن آن عمل از سوی نماینده.

پ- ارتکاب جرم در کشتی‌ها و هواپیماهای خارجی

ت- استرداد مجرمین که به صورت توافق دو یا چند جانبه بین کشورها وجود دارد.

۷- در ایران اصل تعرض ناپذیری در مورد نمایندگان مجلس پذیرفته نشده و آنان در صورت ارتکاب جرائم عادی قابل تعقیب می باشند و منظور از جرایم عادی جرایمی است که مرتبط با ایفای وظایف نمایندگی نمی باشد.

۸ - رسیدگی به جرائم ارتکابی درکشتی‌های جنگی و هواپیماهای جنگی مطلقاً در صلاحیت دولت صاحب پرچم است.

۹- اگر در داخل هواپیمای **غیرجنگی خارجی** بر فضای ایران، جرمی واقع شود قانون ایران حاکم خواهد بود مشروط به اینکه:

الف- جرم توسط اتباع ایرانی یا علیه یکی از اتباع ایرانی یا علیه یکی از مقیمان دائمی ایران واقع شده باشد.
ب- جرم علیه امینت ایران باشد.
پ- هواپیما بعد از وقوع جرم در ایران فرود آید.
در موارد فوق دادگاه محلی صالح به رسیدگی است که **هواپیما فرود آمده** است یا دادگاه محلی که **متهم دستگیر شده** است.(ماده۳۱ قانون هواپیمایی کشوری)
۱۰- فضای بالای یک کشور تا جوِّ آن متعلق به همان کشور و تحت حاکمیت وی می‌باشد ولی فضای بالای جوّ تحت حاکمیت هیچ کشوری نیست و درحکم آبهای آزاد است.(ماده۹کنوانسیون هواپیمایی کشوری بین المللی معروف به کنوانسیون شیکاگو مصوب ۱۳۴۷)
۱۱- جرم واقع شده در سفارتخانهٔ کشوری در صلاحیت دادگاه کشور صاحب سفارتخانه می‌باشد.(مواد۲۲، ۲۹ و۳۱ قرارداد وین مصوب۱۹۶۱)
۱۲- براساس ماده ۱۰ قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان مصوب ۱۳۷۲ مراجع قضایی ایران در صورتی نسبت به جرائم ارتکابی کشتی‌های در حال عبور از دریای سرزمینی صالح هستند که **اولاً** اثرات و عواقب جرم متوجه جمهوری اسلامی ایران باشد. **ثانیاً** جرم ارتکابی مخل صلح و نظم و آرامش داخلی یا نظم عمومی دریای سرزمینی باشد. **ثالثاً** فرمانده کشتی یا نمایندهٔ دیپلماتیک یا کنسولی دولت صاحب پرچم تقاضای کمک و رسیدگی نماید. **رابعاً** رسیدگی و تعقیب برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و روان گردان ضروری باشد.

ماده۴- هرگاه قسمتی از جرم یا نتیجه آن در قلمرو حاکمیت ایران واقع شود درحکم جرم واقع شده در ایران است.

۱- برای تعیین محل وقوع جرم، ملاک **رکن مادی جرم** است. لذا عنصر معنوی را از نظر جغرافیایی نمی‌توان از عنصر مادی جدا کرد.(حسینی نژاد، حسنقلی، ح.ک.ب، ص۶۷) بویژه که عنصر مادی و عنصر معنویِ جرم مانند پشت و روی یک سکه هستند جدای از هم اما همیشه با هم به طوری که از نحوه و کیفیت رفتار مجرمانه است که می‌توان به قصد و اراده و انگیزه مرتکب پی برد.(گلدوزیان، محشای ق.م.ا، ص۳۷)
۲- محل ارتکاب جرائم مبتنی بر ترک فعل، محلی است که مجرم موظف به انجام فعلی در آن محل بوده است.
۳- ماده ۳ ق.م.ا به اصل صلاحیت سرزمینی **اصلی** و ماده فوق به اصل صلاحیت سرزمینی **حکمی** معروف می باشد.
٤- حکم ماده فوق در خصوص جرایم تجزیه پذیر مانند جرائم **مقید، مرکب یا مستمر** می باشد که ممکن است قسمتی از آن در ایران و قسمتی از آن در خارج از کشور اتفاق بیافتد امکانپذیر است و جرائم آنیِ ساده و مطلق مانند توهین چون تمام عناصر آن در همان لحظه تشکیل می شود مشمول حکم ماده فوق نیست.
۵- منظور از قسمتی از جرم، بخشی از عملیات اجرایی تشکیل‌دهنده جرم است نه تهیه مقدمات. بنابراین اگر شخصی در ایران اسلحه بخرد و در کشور ترکیه یک نفر را بکشد نمی‌توان گفت قسمتی از جرم **قتل** در ایران اتفاق افتاده است اگرچه خرید اسلحه جرم مستقلی از قتل می‌باشد.

٦- با توجه به این‌که معاونت در ایران استعاره ای و تابع مجرم اصلی است اگر براساس حکم ماده فوق دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی به جرم مباشر را داشته باشند صلاحیت رسیدگی به جرم معاونت در آن‌جرم را هم دارند. بنابراین اگر شخصی که در کشور عراق ساکن است و دیگری را که در کشور ترکیه می باشد را ترغیب به کشتن یک نفر در ایران نماید و وی به خاک ایران شلیک و در خاک ایران یک نفر را بکشد رسیدگی به جرم معاونت و مباشر قتل در صلاحیت دادگاه‌های ایران می‌باشد ولی هرگاه جرم واقع شده در ایران تلقی نگردد معاونت در آن اگر چه در ایران رُخ داده باشد طبق قانون ایران قابل مجازات نیست. مثلاً اگر یک نفر در ایران یک تبعهٔ فرانسوی را ترغیب به قتل یک نفر فرانسوی نماید و قتل هم در فرانسه اتفاق افتد رسیدگی به جرم معاون در صلاحیت دادگاه‌های ایران نیست مگر این که عمل شخص معاون فی نفسه جرم باشد.

ماده ۵- هر شخص ایرانی یا غیرایرانی که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرائم زیر یا جرائم مقرر در قوانین خاص گردد، طبق قوانین جمهوری اسلامی‌ایران محاکمه و مجازات می‌شود و هرگاه رسیدگی به این جرائم در خارج از ایران به صدور حکم محکومیت و اجرای آن منتهی شود، دادگاه ایران در تعیین مجازاتهای تعزیری، میزان محکومیت اجراء شده را محاسبه می‌کند:

الف- اقدام علیه نظام، امنیت داخلی یا خارجی، تمامیت آرضی یا استقلال جمهوری اسلامی‌ایران.

ب- جعل مُهر، امضاء، حکم، فرمان یا دستخط مقام رهبری یا استفاده از آن.

پ- جعل مهر، امضاء، حکم، فرمان یا دستخط رسمی رئیس جمهور، رئیس قوه قضاییه، رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، رئیس مجلس خبرگان، رئیس دیوان عالی کشور، دادستان کل کشور، اعضای شورای نگهبان، رئیس و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، وزرا یا معاونان رئیس جمهور یا استفاده از آنها.

ت- جعل آراءِ مراجع قضائی یا اجراییه های صادره از این مراجع یا سایر مراجع قانونی و یا استفاده از آنها.

ث- جعل اسکناس رایج یا اسناد تعهد آور بانکی ایران و همچنین جعل اسناد خزانه و اوراق مشارکت صادر شده یا تضمین شده از طرف دولت یا تهیه یا ترویج سکه قلب در مورد مسکوکات رایج داخل.

۱- ماده فوق، مبیِّن اصل صلاحیت واقعی یا واقعی بودن قوانین جزایی یا اصل حمایتی یا حفاظتی می باشد.

۲- در خصوص ماده فوق قابل ذکر است که در موارد مصرّحه در ماده فوق امکان مجازات مجدد مرتکب وجود دارد ولی میزان مجازات اجرا شده بر مرتکب در **جرائم تعزیری** محاسبه می‌شود که به آن **قاعده احتساب مجازات** گفته می‌شود. یعنی در واقع قاعده منع محاکمه مجدد و منع مجازات مضاعف در این ماده رعایت نمی-شود بلکه فقط میزان مجازات اجرا شده محاسبه می‌شود و آن هم فقط **در تعزیرات** اعم از منصوص و غیر منصوص. ولی ممکن است برخی از موارد مندرج در بند «الف» از جمله جرائم حدی باشند مانند محاربه و با توجه به اینکه در جرائم حق اللّهی نمی‌توانیم محاکمهٔ غیابی نماییم لذا در این گونه موارد باید منتظر وجود شرایط

محاکمهٔ حضوری بود و نمی‌توانیم غیاباً حکم صادر نماییم در عین حال می‌توان تعقیب و تحقیق را به صورت غیابی انجام داد.

۳- در بند «پ» فقط به رئیس مجلس خبرگان و رئیس دیوان عالی اشاره شده و بنابراین با این وصف شامل اعضای مجلس خبرگان و قضات دیوان عالی کشور نمی‌شود.

٤- شرایط اعمال اصل صلاحیت واقعی:

الف- وقوع جرم در خارج از قلمرو حاکمیت ایران که ممکن است کشور خارجی یا آبهای آزاد باشد، واقع شود.

ب- ارتکاب جرائم مشخص و معین تصریح شده در ماده ۵ و جرائم مقرر در قوانین خاص.

پ- مباشرت یا مشارکت مرتکب در وقوع جرائم مذکور. بنابراین اگر شخصی در وقوع این جرائم معاونت نماید مشمول اصل صلاحیت واقعی نخواهد بود.

ت- ارتکاب کامل جرم. بنابراین اگرکسی شروع به ارتکاب جرائم مذکور نماید مشمول اصل صلاحیت واقعی نخواهد شد.

ث- عدم نیاز به یافت شدن در ایران یا اعاده به ایران. در ماده فوق برخلاف ماده ۷ و ۸ که مقرر نموده در ایران یافت یا به ایران اعاده گردد، قید نشده است پس در این ماده امکان محاکمه و صدور رأی غیابی وجود دارد مگر اینکه از جرایم حق الهی باشد. مانند جرم محاربه

ث- اگر متهم در محل وقوع جرم محاکمه و مجازات شده باشد فقط در **جرایم تعزیری** اعم از منصوص و غیر منصوص میزان مجازات اجرا شده وی را محاسبه می کنیم ولی در سایر جرایم مجازات اجرا شده را محاسبه نمی کنیم.

ج- مرتکب آن ممکن است شخص ایرانی یا غیر ایرانی باشد.

۵- منظور از دستخط مقام معظم رهبری در بند «ب» اعم از دستخط رسمی و غیر رسمی ایشان است ولی منظور از بند«پ»که مربوط به دستخط رئیس جمهور و سایر مقامات می باشد فقط شامل دستخط رسمی است.

٦- برخی از مؤلفین معتقدند که اصل صلاحیت واقعی صرفاً نسبت به بیگانگان قابل اعمال است و نسبت به اتباع ایرانی، اصل صلاحیت شخصی اعمال می‌شود ولی باید گفت در این خصوص تفاوتی میان بیگانگان و اتباع ایرانی وجود ندارد چرا که در صورت پذیرش اصل صلاحیت شخصی نسبت به اتباع ایرانی مقیم خارج، در جرائم علیه منافع حیاتی کشور، باید قواعد مربوط به اصل صلاحیت شخصی از قبیل قاعدهٔ منع محاکمهٔ مجدد و قاعدهٔ مجرمیت متقابل و لزوم حضوری بودن دادرسی رعایت گردد که هیچ یک از این موارد با شرایط و ویژگیهای صلاحیت واقعی منطبق نیست.(شمس ناتری، پیشین، ص۴۴)

۷- در خصوص بند «**ت**» لازم به ذکر است که شامل **جعل آراء و اجراییه های صادره** از مراجع قضایی و نیز **استفاده از آنها** می شود و در خصوص مراجع غیر قضایی یا شبه قضایی فقط شامل **اجراییه های صادره** از آن مراجع یا **استفاده از آن ها** می شود.

ماده۶- به جرائم مستخدمان دولت اعم از ایرانی یا غیر ایرانی که در رابطه با شغل و وظیفهٔ خود در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب شده‌اند و به جرائم مأموران سیاسی و کنسولی و دیگر وابستگان دولت ایران که از مصونیت سیاسی برخوردارند طبق قوانین جمهوری اسلامی‌ایران رسیدگی می‌شود.

۱- در ماده فوق دو نوع صلاحیت پیش بینی شده است یکی **صلاحیت شخصی** نسبت به مستخدمین دولتی ایرانی و دیگری **صلاحیت واقعی** نسبت به اتباع بیگانه که در خدمت دولت ایران بوده و به مناسبت شغل خود مرتکب جرم شده اند. بنابراین اگر اتباع بیگانه که در خدمت دولت ایران در خارج از ایران در ارتباط با شغل و وظیفه خود مرتکب جرم شوند دادگاه‌های ایران صالح به رسیدگی هستند و اگر آن جرم مرتبط با شغل و وظیفه آن‌ها نباشد دادگاه‌های ایران صالح به رسیدگی نیست مگر این که آن جرم از موارد مقرر در ماده ۵ ق.م.ا باشند.

۲- اصل صلاحیت واقعی یا جرم محور هستند یا مرتکب محور:

الف- جرم محور: یعنی این که **نوع جرم ارتکابی** دارای اهمیت می باشد اینکه چه کسی مرتکب آن شده است اعم از اینکه ایرانی یا خارجی باشد اهمیتی ندارد. مانند ماده ۵ ق.م.ا که هر کسی که در خارج از ایران مرتکب آن جرایم شود دادگاههای ایران صالح به رسیدگی هستند.

ب- مرتکب محور: بر اساس ماده ۶ ق.م.ا به جرائم مستخدمان غیر ایرانی دولت که **در رابطه با شغل و وظیفهٔ خود** در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب شده‌اند طبق قوانین جمهوری اسلامی‌ایران رسیدگی می‌شود. بنابراین چون این افراد مشمول اصل صلاحیت واقعی هستند تمام ویژگی های اصل صلاحیت واقعی از جمله امکان اعمال قاعده احتساب و امکان محاکمه غیابی و ... در مورد آنها صورت می گیرد.

۳- چنانچه شخص تحت هیچ شرایطی در قبال رفتار مجرمانه خود مسئول نباشد **مصونیت ماهوی** است. اگر نسبت به تمام جرائم فاقد مسئولیت باشد **مصونیت ماهوی مطلق** است و چنانچه نسبت به بعضی از جرائم فاقد مسئولیت باشد **مصونیت ماهوی نسبی** محسوب می‌شود.(طهماسبی، جواد، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، ص۱۷۰)

٤- منظور از **مصونیت شکلی** که از آن به اصل **عدم تعرض**، یاد شده است، نوعی از مصونیت است که دارندهٔ آن در صورت توجه اتهام به وی، ابتدائاً از هرگونه تعرض و تعقیب و توقیف مصون است ولی قبول آن به منزله چشم پوشی دائمی نسبت به مسئولیت کیفری وی نیست بلکه پس از انجام تشریفات خاص، تعقیب مرتکب انجام می‌شود.(همان، صص۱۷۰ و ۱۷۱)

۵- مصونیت شکلی نیز ممکن است به صورت مطلق یا نسبی باشد. **مصونیت شکلی مطلق** زمانی است که دارنده آن در زمان ارتکاب جرم و قبل از طی شدن تشریفات قانونی مشخصی، از هرگونه تعرضی ناشی از تعقیب مثل احضار، جلب و توقیف در امان است و این امر اختصاص به جرائم خاصی ندارد. مانند نمایندگان دیپلماتیک یک کشور درکشور دیگرکه پس از برگشت به کشور خود تحت تعقیب قرار می‌گیرند. **مصونیت شکلی نسبی**

یعنی اینکه شخص در زمان یا موقعیت مشخص یا نسبت به ارتکاب جرائم معینی از تعرض در امان است و در سایر موارد این مصونیت وجود ندارد.(همان)

٦- مصونیت چون یک امر شکلی می‌باشد نه ماهوی، لذا در صورت وجود آن، **قرار موقوفی تعقیب** صادر می‌شود.

۷- اصطلاح «**مأمور سیاسی**» به استناد بند «د» ماده اول کنوانسیون وین شامل آن دسته از کارمندان مأموریت می‌شود که دارای سمت سیاسی «دیپلماتیک» باشند.

۸- مأموران کنسولی از مصونیت‌های محدودتری نسبت به مأمورین سیاسی برخوردارند زیرا **اولاً** در جرائم مشهود قابل تعقیب هستند و **ثانیاً** امکان بازداشت مأمورکنسولی در جرایم مهم وجود دارد و **ثالثاً** در صورت محکومیت مأمورین کنسولی، امکان اعمال مجازات درباره آنان از سوی کشور پذیرنده وجود دارد.(آشوری، آیین دادرسی کیفری، ج۱، ص ۲۹۹)

۹- در ماده فوق به جرایم کلیه کسانی که از مصونیت سیاسی برخودار هستند در ایران رسیدگی می شود ولی در مورد قسمت اول ماده یعنی مستخدمان دولت که اگر ایرانی باشند و در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب جرمی شوند در صورتی به موجب این ماده محاکمه می شوند که جرم ارتکابی در رابطه با شغل و وظیفه آنان باشد حال اگر یک شخص ایرانی که مستخدم دولت است مرتکب جرمی در غیر رابطه با شغل و وظیفه خود گردد طبق این ماده محکوم نشده بلکه بر اساس اصل صلاحیت شخصی فعال محاکمه و مجازات می شود.

ماده۷- علاوه بر موارد مذکور در مواد فوق هریک از آتباع ایران در خارج از کشور مرتکب جرمی‌شود، در صورتی که در ایران یافت و یا به ایران إعاده گردد، طبق قوانین جمهوری اسلامی‌ایران محاکمه و مجازات می‌شود مشروط بر این‌که:

الف- رفتار ارتکابی به موجب قانون جمهوری اسلامی‌ایران جرم باشد.

ب- در صورتی که جرم ارتکابی از جرائم موجب تعزیر باشد، متهم در محل وقوع جرم محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجرا نشده باشد.

پ- طبق قوانین ایران، موجبی برای منع یا موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات یا سقوط آن نباشد.

۱- ماده فوق مبیِّن **اصل شخصی بودن قوانین جزایی** می‌باشد.

۲- طبق اصل شخصی بودن قوانین جزایی، قوانین جزایی در مورد اتباع یک کشور قابل اجراست اعم از اینکه در داخل کشور باشند یا خارج از کشور.

۳- شرایط اعمال اصل صلاحیت شخصی فعال:

الف- رفتار ارتکابی به موجب قانون جمهوری اسلامی ایران جرم باشد این که عمل در کشور محل وقوع، جرم باشد یا نه مهم نیست.

ب- عدم اجرای مجازات شخص **در جرایم تعزیری غیرمنصوص** در کشور محل وقوع جرم و حتی اگر بخشی از مجازات اجرا شده باشد در ایران قابل محاکمه نیست. البته برخی معتقدند که اگر بخشی از مجازات در

آن کشور اجرا شده باشد بر اساس قاعده احتساب با وی برخورد می کنیم. یعنی اینکه در داخل او را محاکمه می کنیم و بخش اجرا شده مجازات در خارج از کشور را از محکومیت وی در ایران کسر می نمایم ولی برخی دیگر از جمله نگارندگان معتقدند چون قسمت اخیر بند «ب»، «مجازات کلاً یا **بعضاً** درباره او اجرا نشده باشد» در این خصوص صراحت دارد لذا حتی اگر یک روز مثلاً در مجازات حبس در خارج از کشور اجرا شده باشد در ایران قابل محاکمه نیست و در آزمون های حقوقی هم نظر اخیر مدنظر بوده است.

پ- تبرئه نشدن مجرم در کشور محل وقوع جرم. بنابراین اگر بر اساس رأی دادگاه کشور محل وقوع جرم، متهم تبرئه شده باشد در ایران قابل پیگیری نیست.

ت- در مورد حدود و قصاص و دیات و تعزیرات منصوص شرعی، مجرم در هر صورت در ایران محاکمه خواهد شد چه در آن‌جا محاکمه و مجازات در مورد وی اعمال شده باشد و چه این‌که در نتیجه محاکمه، تبرئه شده باشد و چه این‌که عمل ارتکابی در آن‌جا جرم هم نباشد براساس موازین قانون ایران مجازات خواهد شد.

ث- متهم در ایران یافت شود یا به ایران اعاده گردد. بنابراین رسیدگی غیابی جایز نیست.

ج- با توجه به این که در صدر ماده فوق ذکر شده «**هر یک از اَتباع ایران**» بنابراین حکم ماده فوق یا همان اصل صلاحیت شخصی فعال فقط شامل اشخاص حقیقی می‌شود و اشخاص حقوقی را در بر نمی‌گیرد.

۵- ماده فوق مبین اصل صلاحیت شخصی **مثبت یا فعال** است. به این معنی که مرتکبِ جرم، ایرانی و محل وقوع جرم، خارج از ایران و بزه دیده آن، هرکسی می تواند باشد اعم از اینکه ایرانی یا غیر ایرانی باشد. بنابراین اگر یک شخص ایرانی در کشور فرانسه علیه یک ایرانی یا یک آلمانی یا یک فرانسوی مرتکب جرمی شود بر اساس اصل صلاحیت شخصی فعال یا مثبت در ایران قابل محاکمه و مجازات می باشد.

٦- در اصل صلاحیت شخصی فعال، صرف جرم بودن عمل ارتکابی به موجب قانون ایران کافی است ولی در اصل صلاحیت شخصی منفعل عمل باید هم به موجب قانون ایران جرم باشد و هم قانون کشور محل وقوع عمل ارتکابی.

۷- حکم ماده فوق صرفاً شامل مباشرت در ارتکاب جرم می‌باشد و شروع به جرم و معاونت در ارتکاب جرم را در بر نمی‌گیرد.

۸- شرط «**یافت شدن**» یا «**اعاده به ایران**» در تمام جرائم اعم از حدود، قصاص و تعزیرات منصوص و غیرمنصوص وجود دارد. بنابراین اگر یک شخص ایرانی در کشور فرانسه مرتکب جرم قتل یا شرب خمر و یا جرم تعزیری اعم از منصوص یا غیرمنصوص شود در صورتی در ایران محاکمه و مجازات می شود که در ایران یافت یا به ایران اعاده گردد و این شرط فقط منحصر در جرائم تعزیری نیست ولی شرط های مذکور در بندهای «الف» و «ب» فقط در جرایم تعزیری غیرمنصوص باید رعایت شود و در سایر جرام قال اعمال نیست.

ماده ۸- هرگاه شخص غیر ایرانی در خارج از ایران علیه شخصی ایرانی یا علیه کشور ایران مرتکب جرمی به جزء جرائم مذکور در مواد قبل شود و در ایران یافت و یا به ایران اعاده گردد طبق قوانین جزائی جمهوری اسلامی‌ایران به جرم او رسیدگی می‌شود مشروط بر این‌که:

الف- متهم در جرائم موجب تعزیر در محل وقوع جرم، محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجرا نشده باشد.

ب- رفتار ارتکابی در جرائم موجب تعزیر به موجب قانون جمهوری اسلامی‌ایران و قانون محل وقوع، جرم باشد.

۱- قانونگذار در ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ اصل صلاحیت شخصی منفعل یا منفی یا صلاحیت مبتنی برتابعیت مجنی علیه را پذیرفته است که این خود از ابداعات قانون جدید نسبت به قانون سابق است.

۲- منظور از مجازات تعزیری در این ماده، تعزیرات غیر منصوص است.

۳- شرایط اعمال اصل صلاحیت شخصی منفعل یا تابعیت بزه دیده:

الف- جرم در خارج از قلمرو ایران واقع شده باشد.

ب- مرتکب جرم، ایرانی نباشد زیرا در صورت ایرانی بودن مرتکب، بر اساس اصل صلاحیت شخصی فعال با وی برخورد خواهد شد.

پ- بزه دیده ایرانی باشد.

ت- در ایران یافت یا به ایران اعاده گردد. بنابراین در **جرایم تعزیری غیرمنصوص** امکان محاکمه غیابی وجود ندارد.

ث- متهم در **جرائم موجب تعزیر غیر منصوص** در محل وقوع جرم، محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجرا نشده باشد ولی در سایر جرایم از جمله حدود و قصاص در ایران در هر صورت محاکمه می شود چه اینکه در محل وقوع جرم محاکمه شده باشد یا نه و چه اینکه مجازات در مورد وی اجرا شده باشد یا نه.

ج- در جرایم **تعزیری** شرط مجرمیت متقابل باشد. یعنی اینکه عمل هم به موجب قانون ایران و هم به موجب قانون محل وقوع عمل مجرمانه، جرم باشد ولی در غیر از تعزیرات یعنی در حدود و قصاص همین که به موجب قانون ایران جرم باشد کافی است و نیازی نیست که در کشور محل وقوع عمل مجرمانه، جرم باسد ولی در اصل صلاحیت **شخصی فعال و اصل صلاحیت واقعی**، صرف جرم بودن عمل ارتکابی به موجب قانون ایران کافی است.

٤- منظور از اینکه جرم علیه کشور ایران باشد معلوم نیست، اما به نظر می‌رسد باید هر جرمی علیه کشور ایران «به غیر از جرائم مقرر در ماده ۵» را مشمول حکم ماده فوق دانست. مانند سرقت اموال دولت در خارج از کشور.

۵- اگر بزه دیده در زمان وقوع جرم ایرانی نبوده ولی بعد از وقوع جرم تابعیت ایران را کسب نموده باشد «تابعیت لاحق»، در این خصوص دادگاه‌های ایران از باب صلاحیت شخصی منفعل صلاحیت رسیدگی ندارند، چون ملاک، تابعیت بزه دیده در زمان وقوع جرم می باشد.

٦- اگر بزه دیده در زمان وقوع جرم، ایرانی بوده ولی بعد از وقوع جرم، تابعیت ایران را از دست داده باشد به نظر می رسد که دادگاههای ایران صلاحیت رسیدگی به آن را دارند زیرا ملاک، تابعیت بزه دیده در زمان وقوع جرم می باشد.

۷- اگر صلاحیت شخصی فعال و منفعل با هم تداخل نمایند مثلاً یک ایرانی در خارج از ایران مرتکب جرمی علیه یک تبعه ایرانی در خارج از ایران شود در این صورت اولویت با **اصل صلاحیت شخص فعال** می‌باشد.

۸- اگر شخصی چند تابعیتی باشد و یکی از آن‌ها تابعیت ایرانی باشد مشمول حکم ماده فوق خواهد شد.

۹- شرایط اعمال اصل صلاحیت شخصی منفعل:

الف- جرم در خارج از قلمرو ایران ارتکاب یافته باشد.

ب- مرتکبِ جرم، غیر ایرانی «خارجی» باشد زیرا در صورت ایرانی بودن مرتکب، بر اساس اصل صلاحیت شخصی فعال با وی رفتار می شود.

پ- جرم ارتکابی از جمله جرایم مذکور در ماده ۵ ق.م.ا «اصل صلاحیت واقعی» نباشد.

ت- بزه دیده در زمان ارتکاب جرم، ایرانی باشد و یا اینکه یکی از تابعیت های آن ایرانی باشد.

۱۰- همانطور که در ذیل ماده ۷ ق.م.ا «اصل صلاحیت شخصی فعال» بیان شد رسیدگی غیابی در اصل صلاحیت شخصی منفعل نیز امکانپذیر نیست.

۱۱- قاعده منع محاکمه مجدد و قاعده منع مجازات مضاعف فقط در اصل صلاحیت‌های شخصی فعال و منفعل قابلیت اعمال را دارند.

ماده۹- مرتکب جرائمی‌که به موجب قانون خاص یا عهد نامه‌ها و مقررات بین‌المللی در هرکشوری یافت شود در همان کشور محاکمه می‌شود اگر در ایران یافت شود طبق قوانین جزائی جمهوری اسلامی‌ایران محاکمه و مجازات می‌شود.

۱- این ماده مبیِّن اصل صلاحیت **جهانی یا بین المللی یا همگانی** است.

۲- شرایط اعمال اصل صلاحیت جهانی عبارتند از:

الف- عدم وجود یا عدم امکان اعمال یکی از سه صلاحیت سرزمینی، شخصی یا واقعی، چرا که اصل صلاحیت جهانی یک اصل تکمیلی است. بنابراین در صورت عدم امکان اعمال صلاحیت‌های سه گانه دیگر «سرزمینی، شخصی یا واقعی» قابل اعمال است.

ب- وقوع جرم در خارج از مرزهای کشور.

پ- حضور یا یافت شدن مجرم در کشور محل دستگیری.«پس رسیدگی غیابی منتفی است»

ت- عدم رسیدگی قبلی.

ث- مجرمانه بودن عمل درکشور محل دستگیری.

ج- پیش بینی جرم ارتکابی به عنوان جرم مشمول اصل صلاحیت جهانی در قوانین خاص یا معاهدات بین المللی.(شمس ناتری، پیشین، صص ۵۴ و ۵۵)

۳- دزدی دریایی، هواپیماربایی، تروریسم، خرید و فروش و تجارت برده، نسل کشی، جنایت آپارتاید، جنایت علیه بشریت، اشاعه و خرید و فروش نشریات مستهجن، قاچاق مواد مخدر، پولشویی و ... را می‌توان نمونه بارز جرائم موضوع ماده۹ ق.م.ا «**اصل صلاحیت جهانی**» دانست.

٤- شرط یافت شدن یا اعاده به ایران فقط در صلاحیت های **فعال، منفعل و جهانی** قابل اعمال است. اگر چه در صلاحیت جهانی فقط به یافت شدن اشاره شده است شاید به این دلیل است که این نوع جرائم در کشور خاصی اتفاق نمی افتد که مسئله استرداد مجرمین مطرح باشد.

٥- در خصوص اعمال صلاحیت ها لازم به ذکر است که رابطه آنها **در طول یکدیگر** هستند و نه در عرض هم. به این صورت که اول به سراغ صلاحیت سرزمینی مراجعه نموده و اگر شرایط آن محقق نبود به صلاحیت بعدی مراجعه می نمایم. بنابراین رابطه طولی آنها به این صورت می باشد: اول صلاحیت سرزمینی، دوم صلاحیت واقعی، سوم صلاحیت شخصی فعال، چهارم صلاحیت شخصی منفعل و پنجم صلاحیت جهانی

٦- بند «ت» ماده۶۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری یکی از مصادیق قوانین خاص که در ماده فوق ذکر شده است می باشد که مقرر می دارد:«جرایم رایانه ای متضمن سوء استفاده از اشخاص کمتر از ۱۸ سال اعم از اینکه بزه دیده یا مرتکب ایرانی یا غیر ایرانی باشد و مرتکب در ایران یافت شود».

فصل سوم: قلمرو اجرای قوانین جزائی در زمان

ماده۱۰- در مقررات و نظامات دولتی مجازات و اقدام تأمینی و تربیتی باید به موجب قانونی باشد که قبل از وقوع جرم مقرر شده است و مرتکب هیچ رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل را نمی‌توان به موجب قانون مؤخر به مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی محکوم کرد لکن چنانچه پس از وقوع جرم، قانونی مبنی بر تخفیف یا عدم اجرای مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی یا از جهاتی مساعدتر به حال مرتکب وضع شود نسبت به جرائم سابق بر وضع آن قانون تا صدور حکم قطعی، مؤثر است. هرگاه به موجب قانون سابق، حکم قطعی لازم‌الاجراء صادر شده باشد به ترتیب زیر عمل می‌شود:

الف- اگر رفتاری که در گذشته جرم بوده است به موجب قانون لاحق جرم شناخته نشود، حکم قطعی اجرا نمی‌شود و اگر در جریان اجرا باشد اجرای آن موقوف می‌شود. در این موارد و همچنین در موردی که حکم قبلاً اجرا شده است هیچ‌گونه اثر کیفری بر آن مترتب نیست.

ب- اگر مجازات جرمی به موجب قانون لاحق، تخفیف یابد، قاضی اجرای احکام موظف است قبل از شروع به اجرا یا در حین اجرا از دادگاه صادرکنندهٔ حکم قطعی، اصلاح آن را طبق قانون جدید تقاضا کند. محکوم نیز می‌تواند از دادگاه صادرکنندهٔ حکم، تخفیف مجازات را تقاضا نماید. دادگاه صادر کنندهٔ حکم با لحاظ قانون لاحق، مجازات قبلی را تخفیف می‌دهد. مقررات این بند در مورد اقدام تأمینی و تربیتی که در مورد اطفال بزهکار اجرا می‌شود نیز جاری است. در این صورت ولی یا سرپرست وی نیز می‌تواند تخفیف اقدام تأمینی و تربیتی را تقاضا نماید.

تبصره- مقررات فوق در مورد قوانینی که برای مدت معین و یا موارد خاص وضع شده است، مگر به تصریح قانون لاحق، اعمال نمی‌شود.

۱- این ماده مبیِّن قاعدهٔ عطف به ما سبق نشدن قوانین کیفری است که معادل قاعدهٔ «**جبّ**» در فقه اسلامی می‌باشد که بیان می‌دارد «**الاسلام یَجُبُ ما قبله**» یعنی مسلمان شدن موجب چشم پوشی از گذشته می‌شود.(شمس ناتری، پیشین، ص ۵۷؛ سبزواری نژاد، پیشین، ص ۱۰۵)

۲- عطف به ماسبق نشدن قوانین جزایی به این معنی است که اگر قانون جدیدی تصویب شد و عمل یا رفتاری را جرم انگاری یا مجازات جرمی را تشدید نمود این حکم یا قانون جدید نسبت به افرادی که قبل از لازم الاجرا شدن این قانون مرتکب آن عمل شده اند اعمال نمی گردد و همچنان باید طبق قانون سابق آنها را محاکمه و مجازات نمود.

۳- قوانین تفسیری و همچنین رأی وحدت رویه چون قانون جدیدی را بیان نمی کنند عطف به ماسبق می شوند. لازم به ذکر است که این قاعده یک استثناء دارد و آن زمانی است که آرای وحدت رویه در مورد احکام قطعی شده دادگاهها عطف به ماسبق نمی شوند مگر اینکه به نفع متهم باشند.

٤- اجرای مقررات ماده۱۰ ق.م.ا «**مقررات و نظامات دولتی**» در قلمرو دو دسته از قوانین کاربرد ندارد یکی قوانین موقت و دیگری قوانین شرعی.(اردبیلی، پیشین، ج۱، ص ۲۳۵)

۵- قوانین موقت قوانینی هستند که برای مدت معین و موارد خاصی وضع گردیده است. ظاهراً اعتبار این دسته از قوانین محدود به زمان و اوضاع و احوالِ سببِ وضع قانون است. مانند قانونی که در زمان جنگ برای گرانفروشی و احتکار تصویب می‌شود که با بازگشت وضع پیش از جنگ، اعتبار این قوانین هم معمولاً از بین می‌رود. سیاست قانونگذار در قبال جرائمی که در زمان اعتبار این قوانین ارتکاب یافته‌اند مبتنی بر شدّت عمل است. یعنی اگر در آن اوضاع و احوال و در زمان حکومت قانون موقت، کسی مرتکب جرم شود و به جرم او به هر دلیلی در دادگاه رسیدگی نشود قانون جدید هر چند خفیف سرنوشت او را تغییر نخواهد داد و قانون موقت همچنان معتبر خواهد بود. دلیل این شدت عمل این است که برای مثال گرانفروشان و محتکران که توانسته‌اند در آن ایام از موقعیت بحرانی سوء استفاده کنند نتوانند از ثمرهٔ آن پس از جنگ بهره مند شوند.(همان، صص۲۳۵ و۲۳۶)

٦- ماده۱۰ ق.م.ا بیانگر این است که قاعدهٔ عطف بماسبق نشدن قوانین کیفری به صورت محدود اعمال شده و شامل مقررات شرعی«**حدود، قصاص، دیات و تعزیرات منصوص شرعی**» نمی‌باشد.(رأی وحدت رویه سال ۶۵)

۷- اصل در قوانین ماهوی این است که عطف بماسبق نمی‌شوند مگر اینکه مساعد به حال متهم باشند ولی اصل در قوانین شکلی این است که عطف بماسبق می‌شوند مگر اینکه مخالف حقوق مکتسبه متهم باشند.

۸- قوانین ۱۵ روز پس از انتشار در روزنامه رسمی لازم الاجرا می‌شوند. بنابراین چنانچه در زمان بین تصویب قانون و تاریخ انتشار و گذشتن ۱۵ روز، جرمی اتفاق بیافتد آن جرم تابع قانون سابق می‌باشد و مشمول قانون لاحق نیست.(گلدوزیان، محشای ق.م.ا، ص۵۴)

۹- استثنائات قاعدهٔ عطف بماسبق نشدن قوانین کیفری ماهوی:

الف- قانون تفسیری چون از قانون دیگر رفع ابهام می‌کند و قانون جدید نیست لذا **مطلقاً** به گذشته عطف می‌شود. مانند قانون استفساریه نسبت به کلمات اهانت، توهین و یا هتک حرمت مندرج در مقررات جزایی مواد ۵۱۳ ، ۵۱۴ ، ۶۰۸ و ۶۰۹ ق.م.ا

ب- قانون خفیف، قانونی است که از نظر مجازات نسبت به قانون سابق برخود، خفیف تر باشد.

پ- قانون جرم زدا، قانون جدیدی است که با لغو مجازات مندرج در قانون سابق، حکم بر جرم بودن عمل را از اثر بیاندازد.

ت- قوانین مساعد به نفع متهم.

ث- قوانین ناظر بر مرور زمان.

ج- قوانین شکلی با لحاظ ماده۱۱ ق.م.ا

۱۰- قوانین زیر مساعد به حال متهم می‌باشند:

الف- قانونی که اسباب اباحه جدیدی پیش بینی کند.

ب- قانونی که کیفیّات مشدّده را بکاهد یا حذف کند.

پ- قانونی که حدأکثر مجازات را پایین آورد.

ت- قانونی که به جای مجازات، اقدامات تأمینی و تربیتی پیش بینی نماید.

ث- قانونی که جرم غیرقابل گذشت را به جرم قابل گذشت تبدیل می‌کند.

ج- قانونی که مجازات تبعی را به تکمیلی تبدیل کند چون مجازات تبعی اجباری است ولی مجازات تکمیلی علی الاصول اختیاری می‌باشند.

چ- قانونی که متضمن معاذیر معاف کننده یا مخففه باشد.

ح- قانونی که حداقل مجازات را افزایش دهد ولی حدأکثر آن را پایین آورد.

۱۱- برای تعیین مجازات شدیدتر در دو قانون، باید حدأکثر مجازات ملاک باشد زیرا حداکثر مجازات است که باعث افزایش قدرت قاضی در تعیین مجازات می‌شود درحالی که در مورد حداقل مجازات، قاضی می‌تواند به کمتر از حداقل حکم دهد.(شمس ناتری، پیشین، ص ۶۳۵)

۱۲- محکوم علیه که حق دارد از دادگاه صادر کنندهٔ حکم قطعی تخفیف مجازات را تقاضا نماید قالب تقاضای محکوم براساس این بند، تقاضای تجدیدنظر می‌باشد و نه اعاده دادرسی، زیرا درخواست اعاده دادرسی از طریق دیوان عالی کشور صورت می‌پذیرد درحالی که در این بند، درخواست تخفیف از دادگاه صادر کنندهٔ حکم قطعی می‌باشد.(همان، صص۶۰ و۶۱)

۱۳- برابر رأی وحدت رویهٔ هیأت عمومی دیوان عالی کشور به شمارهٔ ۶۱۶ مورخ ۷۶/۳/۶ ماده۱۰قانون مجازات اسلامی در مورد قانون صادرات و واردات کشور که سالانه و برای مدت معین وضع می‌شود قابل اعمال نیست. در تبصره ماده۱۰ ق.م.ا این چنین موارد استثنایی پیش بینی شده است.

۱٤- منظور از مقررات و نظامات دولتی آن دسته از مقررات و احکام قانونی است که ممنوعیت و حرمت شرعی ندارند بلکه حکومت و دولت به اعتبار ضرورت های کنونی جامعه برای آنها ممنوعیت در نظر گرفته اند.(منصور آبادی، عباس، مختصر حقوق جزای عمومی، ص۶۵)

۱۵- قاعده عطف به ماسبق نشدن قوانین کیفری در اصل ۱۶۹ قانون اساسی بیان شده است که مقرر می‌دارد:«**هیچ فعل یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی‌شود**». بنابراین مقنن نمی‌تواند با تصویب قانونی جرم تعزیری را وضع کرده و در آن قانون تصریح به عطف به ما سبق شدن آن نماید زیرا که چنین مصوبه ای خلاف قانون اساسی می‌باشد.

ماده۱۱- قوانین زیر نسبت به جرائم سابق بر وضع قانون، فوراً اجرا می‌شود:

الف- قوانین مربوط به تشکیلات قضائی و صَلاحیت.

ب- قوانین مربوط به ادلهٔ اثبات دعوی تا پیش از اجرای حکم.

پ- قوانین مربوط به شیوهٔ دادرسی.

ت- قوانین مربوط به مرور زمان.

تبصره- در صورتی که در مورد بند «ب» حکم قطعی صادر شده باشد پرونده برای بررسی به دادگاه صادرکننده حکم قطعی ارسال می‌شود.

۱- درخصوص «**قوانین مربوط به ادله اثبات دعوی تا پیش از اجرای حکم**» لازم به ذکر است که اگر هنوز حکم قطعی صادر نشده باشد در این صورت براساس قانون جدید حکم صادر می‌شود و اگر حکم قطعی صادر شده باشد. در این صورت طبق تبصره همین ماده، پرونده برای بررسی به دادگاه صادر کننده حکم قطعی ارسال می‌شود. نکته مهمی که در خصوص این بند و تبصره این ماده قابل توجه می باشد آن است که ناظر بر **احکام محکومیت** می‌باشند و اگر مرتکب براساس قانون سابق تبرئه شده باشد به لحاظ این که حق مکتسبی برای او ایجاد شده است نمی‌توان براساس قانون جدید حکم برائت را نقض و او را محکوم کرد. به عنوان مثال اگر در قانون سابق برای اثبات جرمی یک شاهد مرد کافی بوده و بر اساس آن محکوم شده باشد حال اگر قبل از اجرای حکم، قانون جدید برای اثبات همان جرم شهادت دو مرد را لازم بداند در این صورت می تواند از مقررات این ماده استفاده نماید.

۲- قوانین مربوط به مرور زمان در هرحال عطف بماسبق می‌شوند خواه به نفع متهم باشد خواه به ضرر او ... و نه دادستان حق اعتراض دارد و نه متهم. مثلاً در قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۷۸ مرور زمان شکایت پیش بینی نشده بود درحالی که ماده ۱۰۶ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ این نوع از مرور زمان را در جرائم تعزیری قابل گذشت پذیرفته است. مطابق این ماده در جرائم تعزیری قابل گذشت هرگاه بزه دیده ظرف یک سال از تاریخ اطلاع از وقوع بزه شکایت نکند حق شکایت کیفری خود را از دست می‌دهد. حال اگرکسی در سال ۱۳۹۱ به دیگری توهین کرده باشد و بزه دیده با وجود اطلاع از موضوع، شکایت نکرده باشد با توجه به قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بعد از یک سال حق شکایت خود را از دست می‌دهد و نمی‌تواند به این موضوع استناد کند که در زمان وقوع بزه توهین، هنوز قانون مجازات جدید لازم الاجرا نبوده است. از سوی دیگر ماده ۱۰۷ ق.م.ا مرور

زمان اجرای مجازات را افزایش داده است. مثلاً اگر فردی در زمان حکومت قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۷۸ مرتکب جرمی می‌شد که مجازات آن شش سال حبس بود با توجه به مواد ۱۷۳ و ۱۷۴ آن قانون جرم وی پس از ده سال مشمول مرور زمان می‌شد در صورتی که در حال حاضر طبق ماده ۱۰۷ این جرم (که درجه چهار محسوب می‌شود) پس از پانزده سال مشمول مرور زمان می‌شود.(فرهی، بابک، مختصر ح.ج.ع، صص۵۵ و۵۶)

۳- در مورد قسمت دوم بند «**الف**» ماده فوق «صلاحیت» یک استثناء در تبصره ۳ ماده ۲۹۶ ق.آ.د.ک پیش بینی شده است که مقرر می دارد:«... جرائمی که تا تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون در دادگاه ثبت شده است از نظر صلاحیت رسیدگی تابع مقررات زمان ثبت است....».

٤- در مورد «**قوانین مربوط به شیوه دادرسی**» لازم به ذکر است که این قوانین بیشتر مربوط به چگونگی تشکیل جلسه دادگاه و شرایط و مقرراتی است که در جلسه یا دادرسی باید رعایت شود. در واقع همان آیین دادرسی کیفری به معنای خاص مدنظر می باشد. مثلاً در قانون سابق که دادگاه کیفری یک استان صلاحیت رسیدگی به اتهام قتل عمد را داشت تشکیل جلسه مقدماتی لازم نبود در حالی که در قانون جدید برای دادگاه کیفری یک تشکیل جلسه مقدماتی اداری ضروری است و یا در موارد دیگری مانند حق سوال از شهود توسط طرفین و... چون قوانین جدید نسبت به قوانین گذشته به روز تر بوده و مورد دقت و بازنگری بیشتری قرار می‌گیرد و با توجه به این‌که قوانین جدید ضعف‌ها و مشکلات قوانین قبلی را در نظر می‌گیرد و با توجه به آن تصویب می شوند در نتیجه اجرای سریع‌تر آن‌ها هم به نفع مجرم و هم به نفع جامعه خواهد بود.

٥- در مورد ماده فوق لازم به ذکر است که فقط بند «ب» هم پیش از صدور حکم و هم بعد از صدور حکم قطعی و تا پیش از اجرای حکم به اجرا گذارده می‌شود و دیگر موارد تا پیش از صدور حکم قطعی قابل اعمال هستند.

٦- نظر به اینکه مطابق قسمت دوم ماده ۹ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ آراء صادره از حیث قابلیت اعتراض، تجدیدنظر و فرجام تابع قوانین مجری در زمان صدور آن است. و این حکم که یکی از قواعد تضمین کننده حقوق مکتسب اصحاب دعواست در امور کیفری نیز جاری و به همین سبب حکم مندرج در بند «الف» ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مبنی بر اجرای فوری قوانین مربوط به صلاحیت، منصرف از قاعده مذکور است. بنابراین چنانچه رأی دادگاه کیفری با توجه به درجه مجازات قانونی جرم در زمان صدور مطابق ماده ۴۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ قابل فرجام در دیوان عالی کشور باشد کاهش مجازات به موجب قانون جدید تأثیری در قابلت فرجام رأی ندارد.(رأی وحدت رویه شماره ۷۹۶ مورخ ۱۳۹۹/۰۷/۰۱)

فصل چهارم: قانوني بودن جرائم، مجازاتها و دادرسي كيفري

ماده۱۲- حکم به مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی و اجرای آنها باید از طریق دادگاه صالح، به موجب قانون و با رعایت شرایط و کیفیات مقرر در آن باشد.

ماده۱۳- حکم به مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی و اجرای آنها حسب مورد نباید از میزان و کیفیتی که در قانون یا حکم دادگاه مشخص شده است تجاوز کند و هرگونه صدمه و